

روزشمار جنگ

یکشنبه

۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۹

۲۵ جمادی الثانی ۱۴۰۰

۱۱ مه ۱۹۸۰

۳۸۹

عوامل شکست امریکا در ماجرای طبس، همچنان در این کشور مورد بحث و گفت‌وگو است و در این میان طوفان شن جایگاهی چشمگیر دارد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، یک افسر نیروی دریایی امریکا که در عملیات مزبور شرکت داشته است در مصاحبه با روزنامه دیلی نیوز تأکید کرد شکست عملیات فقط به دلیل طوفان شن بوده است. وی گفت: خدمه ۸ هلیکوپتری که در عملیات امریکا برای آزاد کردن گروگان‌های امریکایی در تهران، شرکت داشتند دارای اطلاعات کافی به‌ویژه در مورد شرایط جوی در صحرای ایران نبودند. بعدازظهر (قبل از شکست عملیات)، ما اطلاع پیدا کردیم که شرایط هوا بسیار عالی است و ما از دید کافی برای اجرای عملیات برخوردار خواهیم بود و با این حال، هلیکوپترها کمتر از دو ساعت پس از ترک ناو هواپیمابر نیمتیز در طوفان شن سقوط کردند. افسر مزبور اضافه کرد: ما تا هشت متری زمین پایین آمدیم و سپس تا دوهزار و هفتصد متر صعود کردیم بدون اینکه بتوانیم از طوفان بگریزیم و به مدت سه ساعت و نیم با میزان دیدی در حد صفر حرکت کردیم. هلیکوپترها با یک ساعت تأخیر به محل ملاقات با هواپیمای سی ۱۳۰ رسیدند و طوفانی به پا شده بود که خلبان‌ها نمی‌توانستند هواپیماهای باربری را ببینند.

این افسر متذکر شد که یک ماه قبل از اجرای عملیات، یک گروه مخصوص پنهانی وارد ایران شده و از خاک منطقه‌ای که قرار بود هشت هلیکوپتر و هواپیمای سی ۱۳۰ به آنجا اعزام شوند نمونه‌برداری کردند. بنا بر این نمونه، زمین باید به اندازه کافی از استقامت لازم برای فرود برخوردار می‌بود، اما در واقع هنگامی که ما فرود آمدیم شن به قدری عمیق بود که چرخ حداقل

دو تا از هلیکوپترها جدا شد.^۱ وی با ابراز نفرت از اظهارات سرهنگ چارلز بکویت فرمانده کماندوها که از تفنگ‌داران مأمور این عملیات به‌عنوان مشتی ترسوی بی‌لیاقت نام برده بود،^۲ توضیح داد که نه خلبان‌ها، نه خدمه و نه شرایط هلیکوپترها علت شکست نبودند.^۳ این‌گونه بررسی‌ها و مجادلات بر سر علت شکست عملیات درحالی است که به گزارش خبرگزاری تاس، در امریکا احساسات ضدایرانی به‌طور روزافزونی شکل می‌گیرد. در این زمینه روزنامه *بامداد* نوشت: در شهر اوگدن یوتا، جمعی از اوباش به یک گروه از دانشجویان ایرانی که در کالج محلی سرگرم تحصیل هستند، حمله کردند و ۳ تن از دانشجویان را به‌شدت کتک زدند. یکی از این دانشجویان که وضع خیلی وخیمی داشت به بیمارستان اعزام شد. پلیس این شهر اطلاعاتی دریافت داشته است مبنی بر اینکه افرادی تهدید کرده‌اند که اگر دانشجویان ایرانی در محوطه کالج ظاهر شوند، آنها را به ضرب گلوله از پای در خواهند آورد.^۴

۳۹۰

در امریکا، امکان گسترش مانور نظامی این کشور در مقاطع مورد نیاز و اتکای آن به گسیل نیروهای ضربتی در حد وسیع، به‌طور جدی مورد نظر است. نشریه انگلیسی *آبزرور* خبر داد: کارتر با یک طرح پنتاگون مبنی بر ایجاد یک واحد رزمی نظامی امریکایی در مصر موافقت کرده است. قدرت نظامی مورد نظر قادر است ۵۰ هزار سرباز را در نقاط مختلف توزیع و مستقر سازد. هدف از اجرای این طرح ایجاد یک موجودیت نظامی غربی در منطقه غرب آسیا است. به‌موجب این طرح، مصر پایگاه اصلی خواهد بود و از این پایگاه تسهیلات هوایی و دریایی بندر مون‌پانا در کنیا و بندر بربره در سومالی تأمین خواهند شد. برای حضور نظامی امریکا در اقیانوس هند، دریای سرخ و منطقه خلیج فارس نیز از این پایگاه استفاده خواهد شد، علاوه بر این تأسیسات نظامی پایگاه دیه‌گو گارسیا در اقیانوس هند توسعه خواهد یافت.^۵ به گزارش خبرگزاری فرانسه، این طرح پنجاه هزار نفری امریکا باید به تصویب دیگر اعضای ناتو برسد.^۶

۳۹۱

خبرگزاری آسوشیتدپرس امروز، از درج مطلبی در یک نشریه انگلیسی خبر داد که گوشه‌هایی از اقدامات شون مک‌براید و نیز جنبه‌هایی از ماجرای نامه تکذیب‌شده کارتر به امام خمینی را توضیح می‌دهد. طرح مک‌براید در ظاهر تشکیل دادگاهی شبیه نورنبرگ برای محاکمه شاه

مخلوع بود؛ هم این طرح و هم نامه مزبور در فروردین گذشته خبرساز شده بود.* از مضمون این گزارش برمی آید که نوعی ناهماهنگی یا رقابت بین قطب‌زاده و بنی‌صدر وجود داشته که باعث شکست اقدام هر دو نفر شده است.

ساندی تایمز از قول شون مک‌براید دیپلمات ایرلندی، نوشته است: در پایان ماه مارس، پیش‌نویس موافقت‌نامه‌ای سری برای آزادی گروگان‌های امریکایی در تهران رو به اتمام بود که وزیر امور خارجه ایران و جردن رئیس دفتر کاخ سفید که با یکدیگر مذاکرات محرمانه‌ای داشتند، کار را خراب کردند. مک‌براید که در مراحل اولیه بحران گروگان‌گیری چندین بار به ایران سفر کرده است، گفت: وی و لئونارد بودین وکیل نیویورکی که مشاور بانک مرکزی ایران نیز می‌باشد، در تهیه طرحی برای توافق با بنی‌صدر کمک کردند. سایروس ونس وزیر امور خارجه وقت امریکا، برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر، آیت‌الله خمینی رهبر انقلاب ایران و شورای انقلاب این کشور مذاکرات سری وی را مورد تأیید قرار داده بودند، اما دون ژوان‌ها یعنی جردن و قطب‌زاده همه چیز را برهم زدند.

نشریه مذکور که نسخه‌ای از این طرح را دریافت کرده، بدون انتشار آن، یادآور شده است: در این طرح خواسته شده است که دادگاهی با شرکت هفت وکیل شناخته‌شده در سطح بین‌المللی که ایران و امریکا به‌طور مشترک آنها را انتخاب می‌کنند، تشکیل شود و اظهارات و ادعاها در مورد جنایات شاه مخلوع و سوءاستفاده وی از قدرت در آنجا مطرح گردد. در طرح مذکور آمده است که شاه مخلوع در این به‌اصطلاح محاکمه، حضور نخواهد یافت.

به نوشته این نشریه، از سوی دیگر جردن و قطب‌زاده مذاکرات خیلی محرمانه خود را جدا از کوشش‌های بنی‌صدر، مک‌براید و لئونارد بودین انجام می‌دادند و مقامات عالی‌رتبه ایران و امریکا از مذاکرات این دو آگاه بودند. جردن و قطب‌زاده به‌طور سری در رم و موناکو ملاقات و پیش‌نویس نامه‌ای را تهیه کردند که پیشنهاد شد این نامه را جیمی کارتر برای آیت‌الله خمینی ارسال کند. قطب‌زاده پیش از موعد جزئیات نامه کارتر را در مطبوعات منتشر ساخت و تنها چیزی که قطب‌زاده از انتشار این نامه به دست آورد، تکذیب فوری آن از سوی کاخ سفید بود و بعداً نیز کاخ سفید اعلام کرد نظریات مختلفی که از کاخ سفید به تهران ارسال شده از سوی ایران بد تعبیر شده است.^۷

* پیشنهاد مک‌براید در فروردین ۱۳۵۹، مورد تأیید بنی‌صدر و شورای انقلاب قرار گرفت. [به صفحات ۲۴۰، ۲۹۵ و ۴۲۵ جلد اول کتاب هفتم روزشمار جنگ ایران و عراق (قطع رابطه امریکا با ایران) مراجعه شود]. همچنین در فروردین ۱۳۵۹، قطب‌زاده نامه کارتر به امام خمینی را از کاردار سوئیس دریافت کرد و در ۱۳۵۹/۱/۸، به دست امام رساند. این نامه سپس از سوی دفتر امام در اختیار صداوسیما قرار گرفت تا به اطلاع عموم برسد. [به همان، صص ۳۰۷ - ۲۹۹ و صص ۳۴۹ - ۳۴۷ و صص ۳۷۹ - ۳۷۸ مراجعه شود].

۳۹۲

درحالی که در چگونگی مبارزه علیه ایران برای ختم مطلوب ماجرای گروگان‌ها، جنبه نظامی در اقدامات امریکا رنگ باخته و بر جنبه‌های اقتصادی آن تأکید روزافزون وجود دارد، درعمل لاقفل در کوتاه‌مدت، موفقیت چندانی نمی‌تواند نصیب امریکا شود. ذکر دو نمونه از آنچه امروز، در ایران و امریکا مطرح گردید تا حدی گویای این مطلب است.

در ایران، صادق قطب‌زاده وزیر امور خارجه، در این باره به خبرنگاران گفت: پس از اینکه دولت امریکا تصمیم خود را مبنی بر تحریم اقتصادی ایران اعلام کرد، متجاوز از ۱۲۰۰ شرکت تجاری امریکایی در سراسر دنیا به نمایندگی‌های ما مراجعه کرده، آمادگی خود را برای انجام دادن معاملات تجاری با ایران اعلام کردند و به این ترتیب نشان دادند که تصمیم دولت امریکا را در این مورد محترم و لازم‌الاجرا نمی‌دانند. باتوجه به این نکته محاصره اقتصادی توسط کشورهای اروپایی هم ما را نمی‌ترساند و شاید بهتر باشد که اروپا هم این محاصره را اعمال کند تا یک بار و برای همیشه افسانه محاصره اقتصادی از اعتبار بیفتد و دیگر نتواند به‌عنوان سلاحی برای خاموش کردن تقاضاهای حق‌طلبانه ملت‌ها به کار رود.^۸

در امریکا، گزارش امروز صدای امریکا در این باره چنین است: «گزارش مطبوعات امریکا حاکی است که مساعی متحدان اروپایی امریکا در پشتیبانی از سیاست امریکا در ارتباط با بحران گروگان‌گیری در ایران با موانع قانونی و اشکالات اقتصادی مواجه گردیده است. ... روزنامه‌های نیویورک تایمز و واشنگتن‌پست در شماره‌های امروز خود نوشته‌اند که... یکی از دشوارترین مسائل در این زمینه وجود قراردادهای ساختمانی ایتالیا با ایران است که سه میلیارد دلار ارزش دارد و حدود هزار کارگر ایتالیایی در آن طرح‌های ساختمانی مشغول به کارند، درمورد واردات نفت ژاپن از ایران مقامات ژاپن می‌گویند موافقت آن کشور درمورد خرید نفت از ایران به بهای ۳۵ دلار برای هر بشکه فقط شامل نفت‌هایی می‌شود که از اوایل ماه آوریل، بارگیری شده و اکنون توسط کشتی‌های نفتکش به‌سوی ژاپن درحال حمل شدن است. ضمناً مقامات فرانسوی گفته‌اند اگر دولت فرانسه قراردادهای جاری خود را با ایران لغو کند، در خود دادگاه‌های فرانسه قابل تعقیب است و باید خسارت پرداخت کند.

دولت بریتانیا نیز منافع اقتصادی بسیار زیادی در ایران دارد و مقامات بریتانیا در محافل خصوصی گفته‌اند که به‌کاربردن تحریم‌های اقتصادی علیه رژیم ایران توسط کشورهای اروپایی به‌آسانی امریکا نیست و این کار برای کشورهای اروپایی دشوارتر است. این روزنامه‌ها می‌نویسند که این امتناع ممالک اروپایی از اجرای تصمیمی که خودشان در ماه گذشته در لوکزامبورگ گرفته بودند، مقامات امریکا را اندکی ناراحت کرده است. گزارشات حاکی است که اقدام بعدی کشورهای اروپایی ممکن است در جلسه هفته آینده بازار مشترک اروپا در شهر ناپل در ایتالیا اعلام شود و اعضای بازار مشترک اروپا ممکن است تصمیم بگیرند که رژیم ایران را تدریجاً (نه دفعتاً) مورد تحریم اقتصادی قرار دهند.^۹

از سوی دیگر، به گفته مقامات تجاری در ایران مقادیر زیادی لوازم اولیه و مواد غذایی به طرف بنادر جنوبی ایران سرازیر شده است، به حدی که مسئولان امر قادر به واردات این همه مواد نیستند. رادیو اسرائیل با اعلام این خبر افزود: «شرکت‌های بزرگ وارداتی سعی دارند هرچه بیشتر از مواد مزبور خریداری نمایند تا هنگام شروع مجازات‌های اقتصادی توسط بازار مشترک اروپا به اندازه کافی مواد داشته باشند.»^{۱۰}

۳۹۳

امروز، در لندن جنبه‌های دیگری از ماجرای اشغال سفارت ایران مطرح شد یا از قول شاهدان و مطلعان بازگو گردید. از جمله مشخص شد که علاوه بر ۵ کشته و یک فرد دستگیرشده، در گروه اشغال‌کنندگان سفارت فرد دیگری نیز وجود داشته که رهبر گروه بوده و به‌طور نامعلومی ناپدید شده است.

به گزارش رویتر از لندن، پلیس انگلیس امروز، اعلام کرد پایگاه و محل اجتماع ۶ مرد مسلحی که سفارت ایران در لندن را اشغال کرده بودند، پیدا کرده است و اکنون سرگرم یافتن نفر هفتم این گروه است. در گزارش *ساندی تایمز* آمده است نفر هفتم* پس از اطمینان از اینکه ۶ نفر دیگر وارد سفارت ایران شدند، ناپدید گردیده است.^{۱۱}

رادیو اسرائیل نیز اعلام کرد: پلیس بریتانیا می‌گوید که تمام افرادی که در سفارت ایران تسلط پیدا کرده بودند، اتباع عراق بوده و رهبر آنها هنوز آزاد است.^{۱۲} به گزارش *ساندی تایمز* اشغالگران سفارت چنان به نتیجه کار خود اطمینان داشتند که یکی از آنها چمدان‌های خویش را قبلاً به بغداد فرستاده و نام و نشانی خود را هم ذکر کرده بود.^{۱۳}

در این حال، گاردین متن مصاحبه با یکی از گروهان‌های سفارت را درج کرد. در این مصاحبه محمد فاروقی که خود سردبیر یک مجله اسلامی است و روز حمله به سفارت ایران در آنجا حضور داشته است، گفت: هنگامی که کماندوهای انگلیسی روز دوشنبه وارد سفارت ایران در لندن شدند از ما که جزو گروهان‌ها بودیم پرسیدند تروریست‌ها کدام‌اند؟ دو یا سه نفر با انگشت به سوی آنها اشاره کردند و کماندوها بدون پرسش و سؤال ده‌ها گلوله به بدن آنها شلیک کردند. وی اضافه کرد که دومین گروهانی که به‌دست تروریست‌ها کشته شد پس از حمله کماندوها به سفارت بود نه قبل از آنکه حمله کنند. او افزود که کماندوهای انگلیسی می‌توانستند تعداد بیشتری از تروریست‌ها را دستگیر کنند، ولی این کار را نکردند و حتی تروریستی را که روی زمین دراز کشیده بود دستور دادند بلند شود و همین‌که برخاست او را کشتند.^{۱۴}

* ضمیمه دارد؛ گزارش بعدی رادیو لندن از نفر هفتم و ادعای عرب‌گرایی در حمله به سفارت ایران.

۳۹۴

نظر به اینکه عراق در اردوگاه کنونی جهان، دارای جایگاهی چپ و ضدامپریالیستی تلقی می‌شود، برای توجیه بیشتر دشمنی خود با ایران، که سردمدار مبارزه با امریکا شده است، به‌ناچار باید این مزیت دشمن را کم‌رنگ جلوه دهد. از این رو به تقلید از برخی مخالفان داخلی (شدیدتر از همه مجاهدین خلق) که مبارزه ضدامریکایی عمیق‌تری از نظام طلب می‌کنند و عناصر اصلی آن را از ابتدای پیروزی انقلاب به عدم دشمنی کافی با امریکا و حتی همراهی با آن متهم می‌سازند، دستگاه تبلیغاتی عراق نیز به گمان‌کاری، چنین محوری را برای تبلیغات انتخاب کرده است.

امروز، بخش فارسی رادیو بغداد در گفتاری اعلام کرد: «ایران از لحاظ جغرافیایی و اقتصادی و استراتژیکی موقعیت بسیار مهمی را نسبت به امریکا اشغال می‌کند. ... اگرچه امریکا با سرنگونی شاه از در خارج شد، ولی در عهد زمامداری دارودسته خمینی مجدداً از پنجره وارد شده است. ... دارودسته خمینی سعی می‌کنند افکار عمومی داخل و خارج از ایران را گمراه کنند و این‌طور وانمود می‌کنند که گویا روند مناسباتشان با امریکا با روندی که در دوران شاه سابق وجود داشت، مغایر می‌باشد و بدین جهت به عده‌ای از عوامل پیرو این دارودسته سلطه‌گر دستور داده شد تا سفارت امریکا را اشغال نمایند و دست به گروگان‌گیری بزنند. این بود اولین انگیزه خیمه‌شب‌بازی سفارت امریکا. اما علت دوم آن در بیانات شیخ عزالدین حسینی رهبر مذهبی کردها منعکس می‌گردد، چه ایشان در پی اجرای خیمه‌شب‌بازی گروگان‌گیری اظهار داشت که هدف از آن تهیه زمینه برای ایالات متحده امریکاست تا حضور نظامی خود را در منطقه به بهانه نظارت بر عملیات اشغال سفارت افزایش دهد.»^{۱۵}

۳۹۵

در مناطق مرزی کرمانشاه، علاوه بر تحرکات ایذایی و اجرای آتش‌نیروهای عراقی مستقر در مرز، مهاجمان مسلح محلی که از سوی عوامل داخلی عراق ساماندهی می‌شوند، از دیگر مشکلات این منطقه است. فهرستی از مضمون گزارش‌های امروز که بعضی گزارش‌ها موقوع و بعضی نوعی هشدار درباره احتمالات آتی است، در ادامه ذکر شده است.

گزارش شهربانی قصرشیرین: در یک درگیری در ساعت ۹ صبح در نزدیکی سرخه‌دیزه، یک پاسدار مجروح شد. مهاجمان قصد گروگان‌گیری در جاده کردند - سرپل‌ذهاب را داشتند که پاسداران با آنها درگیر شدند.^{۱۶}

گزارش ستاد مشترک ارتش از قصرشیرین: در یک درگیری جاده‌ای در ساعت ۱۷:۳۰، یک ژاندارم و یک پاسدار مجروح شدند.^{۱۷} مهاجمان با سد کردن جاده پاتاق - سرچقای قصد گروگان‌گیری داشتند.^{۱۸}

گزارش هنگ ژاندارمری قصرشیرین: در یک درگیری در ساعت ۱۹:۳۰، در ۷ کیلومتری پاسگاه بالاطاق، یک پاسدار که با مأموران ژاندارمری همکاری می‌کرد مجروح شد. زدو خورد مأموران گشتی پاسگاه با مهاجمان مسلح یک ساعت طول کشید و مهاجمان در تاریکی متواری شدند.^{۱۹} گزارش گردان ژاندارمری اسلام‌آباد: در حمله مسلحانه با آر.پی.جی دیوار ساختمان سیلوی اسلام‌آباد آسیب دید.^{۲۰} این حمله نیمه‌شب صورت گرفت.^{۲۱} یادآوری می‌شود در اسلام‌آباد، روز گذشته نیز ۴ گلوله آر.پی.جی به ساختمان یک درمانگاه واقع در قریه شیخ مصطفی در کوزران اسلام‌آباد شلیک شد.^{۲۲}

گزارش هشداردهنده هنگ قصرشیرین: سرپرست گروهی از مهاجمان مسلح حوزه اسلام‌آباد غرب به نام علی مراد ساکن آبادی دوروت گوران، امروز، تعداد زیادی کلاشینکف و آر.پی.جی ۷ را با ۲ دستگاه وانت به آبادی مزبور برده و جاسازی کرده است.^{۲۳}

بخشی از گزارش امروز ناحیه ژاندارمری کرمانشاه: «تعداد ۴۵ نفر مسلح به سرپرستی سلیم مهندی مأموریت حمله به دکل برف‌آباد گوا در حوزه اسلام‌آباد غرب را دارد. ... تعداد ۶۵ نفر به سرپرستی حاج علی رستمی برادر علی حسن خلاصه مأموریت حمله به پاسگاه چهارزیر را دارند. ... قرار است با سلاح آر.پی.جی ۷ به سپاه پاسداران سرپل ذهاب و منزل چند نفر حاجی تیراندازی نمایند. ... کدخدا محمود نظری که از سرپرستان مهاجمین چهارکلا عراق بوده هنگامی که با یک دستگاه اتومبیل تویوتا جهت شرکت در مراسمی می‌رفته‌اند به سبب واژگون شدن اتومبیل به اتفاق ۵ نفر از همراهان کشته شده‌اند.»^{۲۴}

در قبال وضع موجود، نوعی ناهماهنگی و عدم تقسیم کار مشخص بین ارگان‌های نظامی به چشم می‌خورد. نامه اعتراض آمیز روز گذشته یکی از فرماندهان ژاندارمری مسئول در منطقه، حاکی از این امر است.* متن کامل نامه بدین شرح است:

۱. برابر نص صریح قانون اساسی ارتش مسئول حفظ و حدود کشور است و قصرشیرین نیز در مرز قرار گرفته است، ارتش وظیفه دارد اگر خود رأساً اقدام به تأمین آن نمی‌نماید، لااقل ژاندارمری را پشتیبانی نماید.

۲. شخصاً در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۸ از محل بازدید کردم. گزارش لشکر ۸۱ واهی است و دور از منطق است.

۳. تیراندازی با سلاح سنگین خمپاره و حتی توپ از پاسگاه پل چفت عراق بوده که با قصرشیرین مسافتی بین ۶ الی ۸ کیلومتر [فاصله] دارد. تیراندازی با سلاح سبک از قبیل آر.پی.جی ۷ از داخل پارک شهر که حوزه شهربانی است انجام شده و با مقر سپاه پاسداران حدود ۸۰۰ متر و با هنگ ژاندارمری ۳ کیلومتر فاصله دارد.

* این نامه پاسخی اعتراض آمیز به نامه دیگری است. هدف از ارائه متن کامل این سند، صرف‌نظر از موضوع مورد مناقشه، توجه به نوع مواجهه دو نیروی ارتش و ژاندارمری درباره یک موضوع می‌باشد.

۴. اگر منظور از پشت محل استقرار، مرزبانی باشد، مرزبانی دادگستری است که ساختمان آن بلندتر از مرزبانی است و امکان تیراندازی با سلاح تیر کشیده به هیچ وجه میسر نیست.
۵. از پاسگاه پل چفت عراق ۲ درخت داخل مرزبانی که از همه درخت‌ها بلندتر است شاخص قرار داده و موقع تیراندازی از آن استفاده می‌نماید.
۶. ژاندارمری فاقد سلاح تیر منحنی با برد زیاد است، اگر ارتش انتظار دارد که با سلاح سبک موجود ژاندارمری از مرز دفاع نماید، بحثی است که از منطق دور است و باید گفت وجود توپخانه در ارتش برای چیست.
- ۱۳۵۹/۲/۲۰، سرهنگ ستاد اخیانی»^{۲۵}

۳۹۶

اوضاع سنندج نشان می‌دهد که دو طرف در مرحله آمادگی برای درگیری‌های تعیین‌کننده قرار دارند.

امروز، از ستاد مشترک ارتش تلفن‌گرمی بدین شرح به نیروی زمینی ارتش مخابره شد: «سپاه پاسداران اعلام نموده است طبق مذاکرات انجام‌شده در شورای امنیت به لشکر کردستان ابلاغ شده است تدارکات نظامی نیروهای سپاه پاسداران در سنندج به‌عهده آن لشکر می‌باشد. دستور فرمایید در این مورد اقدام لازم معمول نمایند.»^{۲۶}

امروز همچنین بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور و فرمانده کل نیروهای مسلح، به ابوشریف فرمانده عملیات سپاه، درباره سنندج مأموریت جدیدی داد. متن حکم بدین قرار است: «بسمه‌تعالی - به برادر ابوشریف مأموریت داده می‌شود

به‌عنوان نماینده رئیس‌جمهوری

در سنندج ناظر بر امور زیر باشد:

۱. هماهنگی کامل میان نیروهای مسلح از لحاظ طرح عملیات و اجرای دقیق و قاطع آنها.

۲. رفع فوری کمبودها از لحاظ مهمات و مواد غذایی به وقوف رهنمود قرآن.

۳. جلوگیری از اینکه زشتی

عمل عناصر ضدانقلاب

موجب عصبانیت و اعمال

خشونت‌آمیز بشود.



ابوشریف مسئول واحد عملیات سپاه با حکم بنی‌صدر با وظایف معین به سمت نماینده رئیس‌جمهوری در سنندج منصوب شد.

۴. کمک به مردم بی پناه در هرچه بدان نیاز دارند تا بلکه پس از استقرار نظم، دولت بتواند با پاسخ به توقعات مردم خود را به خواهران و برادران کرد از زبان خودشان معرفی کند.^{۲۷}

از سوی دیگر، یک گزارش از ارتش حاکی است: «اخیراً حدود ۲۰۰۰ نفر از کردهای ایل شکاک (وابسته به اسماعیل سمیتقو) به کمک گروه‌های مسلح به سندج و گردنه صلوات‌آباد وارد شده و به جنگ مشغول شده‌اند.»^{۲۸} همچنین شاهدان در منطقه خبر دادند که ۶۰۰ تن پیشمرگ دمکرات برای کمک به کومه‌له وارد سندج شده‌اند.^{۲۹} یادآوری می‌شود ماجرای سندج عموماً زیر سلطه کومه‌له که با حزب دمکرات دارای اختلاف است، قرار دارد. این خبر علامت احساس خطری است که هر دو گروه کرده‌اند. در همین حال، برای سهولت ارسال تدارکات و اعزام نیرو، پاک‌سازی محور ورودی از دیواندره در دستور کار قرار گرفته است. امروز ستاد مشترک در تلفن‌گرامی به سپاه اعلام کرد: «دستور فرمایید نسبت به تقویت سپاه پاسداران منطقه بیجار و نجف‌آباد اقدام نمایید. ضمن پاک‌سازی روستاهای اطراف محور بیجار و دیواندره نسبت به پاک‌سازی شهر مزبور نیز هرچه زودتر اقدام شود.»^{۳۰} با این حال از بیجار خبر رسیده است منتظر ۷۰ تن نیروی جدید هستند. در پیامی به واحد عملیات سپاه در تهران آمده است: «وضعیت بیجار متوسط است و به تعداد ۷۰ نفر نیرو می‌خواهند و هنوز به‌طرف دیواندره حرکت نکرده‌اند.»^{۳۱}

۳۹۷

در پاوه وضعی ناآرام وجود دارد و در حرکت به سمت شمال منطقه نیز در نوسود، مریوان، سقز، سردشت کم‌ویش و بانه باشدت، این زنجیره ناآرامی تداوم دارد.

در پاوه، محاصره سپاه این شهر وضع وخیمی ایجاد کرده است تاجایی که مرکز فرماندهی سپاه در تهران به ستاد مشترک ارتش پیام داد: «طبق خبر واصله از سپاه [پاوه]، پاوه در محاصره می‌باشد و تعدادی زخمی داده، لذا برای جلوگیری از سقوط شهر احتیاج به پشتیبانی هوایی دارد.»^{۳۲}

سپاه پاوه در ساعت ۲۱ نیز پیامی به مرکز فرماندهی عملیات، در تهران ارسال کرد که فرماندهی سپاه نیز رونوشت آن را برای ستاد مشترک ارتش فرستاد. متن پیام چنین است: «خواهشمندیم هرچه سریع‌تر جهت شکستن دیوار صوتی یک فروند هواپیمای فانتوم اعزام دارید چون سخت درگیر می‌باشیم.»^{۳۳} ستاد مشترک ارتش نیز در تلفن‌گرامی که به نیروی هوایی ارتش ارسال کرد، با ذکر درخواست سپاه افزود: «دستور فرمایید برابر درخواست سپاه پاسداران اقدام نمایند.»^{۳۴}

در نوسود، پادگان این شهر که چندی پیش به‌دست افراد مسلح حزب دمکرات خلع سلاح شده است، همچنان در کنترل آنهاست.^{۳۵}

در مریوان نیز پادگان شهر در معرض تهدید و محاصره نیروهای مهاجم است.^{۳۶}

در سقز، درگیری فقط در تک‌تیراندازی‌های متقابل خلاصه می‌شود و اکثر مردم، این شهر را تخلیه کرده‌اند.^{۳۷}

در سردشت، حملات متناوب به پاسگاه کلتی همچنان ادامه دارد و به گفته حق‌گو استاندار آذربایجان غربی، تاکنون ۷ یا ۸ تن به شهادت رسیده‌اند.^{۳۸}

در بانه اما بحران، بسیار جدی است. در ساعت ۷ صبح، در یک گزارش نوبه‌ای ارتش که برای مسئولان ذی‌ربط فرستاده می‌شود آخرین وضع پادگان محاصره‌شده بانه تا این ساعت به نقل از لشکر ۲۸ سنندج، چنین اعلام شد: «تیراندازی از همه طرف به سوی پادگان بانه اجرا می‌شود که از طرف یگان مستقر در پادگان پاسخ داده می‌شود ضمناً مهمات و خواربار و سوخت پادگان به اتمام رسیده و... اجساد شهدا احتیاج سریع به تخلیه دارد.»^{۳۹}

در ساعت ۱۹، به‌منظور پشتیبانی آتش و افزایش روحیه مدافعان مواجه با کمبود مهمات، ۲ فروند هواپیما به کمک پادگان آمد. در گزارش مربوط به این اقدام آمده است: «۲ فروند هواپیمای اف ۵ به منطقه اعزام و پس از تماس با افسر ناظر مقدم هیچ‌گونه درخواست پشتیبانی آتش نشده فقط افسر ناظر مقدم مطالب زیر را به خلبان هواپیما مخابره نموده است:

الف) کشته ۱۶ نفر ب) زخمی ۵۶ نفر پ) وضعیت پادگان از نظر مهمات و غذا و روحیه مقاومت قرمز ت) پادگان تا بیش از ۲۴ ساعت دیگر قدرت مقاومت ندارد و سقوط خواهد کرد. ث) یکی از افسران ناظر مقدم در اثر اصابت خمپاره زخمی و خودروی ان ۱۵۱ غیرقابل استفاده شده و تنها وسیله تماس پی.آر.سی ۶۶ می‌باشد.»^{۴۰}

در ساعت ۲۱:۳۰، پیام تلگرافی خطاب به مرکز فرماندهی سپاه ابوشریف بدین شرح واصل شد: «۱. به علت محاصره بودن پادگان همواره به پادگان حمله می‌شود با خمپاره.

۲. مجروحین عده‌ای از آنها تخلیه شده‌اند و تعدادی پاسدار مجروح باقی مانده‌اند. ...*

۳. افراد جهاد سازندگی همگی در گروگان دشمن می‌باشند.

۴. تقویت شدن دشمن به هرنوع تضعیف ماست، کمبود نیرو و مهمات و آذوقه، آب آشامیدنی.» در ادامه پیام درخواست حمله همه‌جانبه به مهاجمان شده و نیز با اعلام نام شهیدان، تقاضای فرود هلیکوپتر شنوک برای تخلیه شهیدان و مجروحان شده است.^{۴۱}

۳۹۸

برخی مناطق استان آذربایجان غربی امروز، ناآرام بود که در این میان ارومیه مرکز استان، بیشتر در معرض این ناآرامی‌ها قرار داشت.

در ساعت یک بامداد، سپاه ارومیه مورد هجوم مسلحانه با انواع سلاح‌های سبک، تیربار و بازوکا قرار گرفت. این حمله برای مهاجمان حاصلی نداشت.^{۴۲} آنان فقط در راه بازگشت از مرغداری بنیاد مستضعفان یک دستگاه پیکان به غنیمت گرفتند.^{۴۳} یادآوری می‌شود روز قبل هم در همین ساعت، پاسگاه

* در اینجا اسامی مجروحان ذکر شده است.

ژاندارمری پل هوایی در ارومیه مورد هجوم قرار گرفته بود که این درگیری تا ساعت ۴:۳۰، ادامه داشت.^{۴۴} پیش از ظهر امروز نیز یک جیب حامل ۷ نفر از پاسداران کمیته هنگام تعویض پست در راه کوه جم روی مین رفت و ۴ تن از سرنشینان آن شهید و ۲ تن مجروح شدند.^{۴۵} در تکاب ناآرامی وجود نداشت، اما در این حال تقاضای امروز، برای آذوقه و نیرو به خصوص آر.پی.جی ۷ و مهمات تفنگ ۱۰۶ و نیز ۴ دستگاه سیمرخ، علامت آن است که وضع عادی هم نیست.^{۴۶} در دو آب در ساعت ۲۱:۳۰، به پاسگاه رادار مستقر در کوه نقره حمله شد که چندین ساعت درگیری متقابل ادامه یافت.^{۴۷}

از سوی دیگر، اقدام قابل توجه لشکر ۶۴ ارومیه در قبال این اوضاع، صدور اعلامیه‌ای بدین شرح است: «بسم الله الرحمن الرحیم - به ساکنین آبادی‌های زیر ابلاغ می‌گردد در مدت ۲۴ ساعت، کلیه سلاح‌های موجود و پرسنل مشکوک (ضدانقلابی) را تا ساعت ۱۶ روز دوشنبه مورخ ۱۳۵۹/۲/۲۲ جمع‌آوری و در مقابل رسید به اردوگاه بالانج تحویل نمایند. چنانچه ظرف این مدت در هریک از نقاط ذکر شده اشخاص مشکوک و مسلح غیرقانونی مشاهده یا دستگیر شوند کلیه مسئولیت‌ها متوجه آبادی‌های زیر خواهد بود: ۱. آبادی تومتر ۲. امام ابراهیم ۳. کوکبا ۴. قاسم‌لو ۵. بالانج ۶. بربران ۷. سیلان ۸. محمودآباد ۹. مبارک‌آباد ۱۰. شیطان‌آباد ۱۱. آق‌بلاغ ۱۲. حصار».^{۴۸} یادآوری می‌شود همین امروز ساعت ۸ صبح، انفجار مین در حوالی یکی از روستاهای مذکور (تومتر، چهار کیلومتری پاسگاه بالانج) باعث شهادت ۳ جوانمرد و مجروح شدن ۴ تن دیگر شده است.^{۴۹} که خود علامت بحرانی بودن وضعیت روستاهای اطراف دره قاسملو است.

۳۹۹

در حالی که تبلیغات گروه‌های چپ مارکسیستی درباره مسائل کردستان، با جهت‌گیری به شدت ضدنظام، به‌طور وسیعی ادامه دارد،* جریان‌های دیگر اعم از هواداران جدی نظام یا منتقدان آن نیز به تناسب مواضع خود در این فضای تبلیغاتی، اعلام حضور می‌کنند.

امروز، نشریه پیام جبهه ملی (ارگان جبهه ملی ایران) خبری به این شرح درج کرد: جامعه اهل تسنن کرمانشاه در تلگرامی به رئیس‌جمهوری ایران خواستار دخالت دکتر سنجابی برای پایان دادن به وقایع خونین کردستان شدند. در این تلگرام آمده است: ما مصرّاً از جناب عالی

* البته در این میان، مواضع حزب توده متفاوت است که در جای خود، در این کتاب آمده است. محور تبلیغات حزب توده کوپیدن مائوئیست‌های فعال در کردستان، مسکوت گذاشتن اقدامات و تحرکات کمونیست‌های غیرمائوئیست، بزرگ‌نمایی اقدامات گروه‌های سلطنت‌طلب و شعار عام ضدخوشونت است. شعار اخیر، در عمل به‌طور اساسی بر خوردهای نظام در کردستان را زیر سؤال می‌برد بدون آنکه آن را وظیفه حاکمیت در قبال تحرکات مسلحانه براندازانه قلمداد کند. همچنین توصیه به رعایت حقوق مردم کرد بدون جداکردن گروه‌های محارب نیز از ویژگی‌های تبلیغات حزب توده است، البته همانند انشعابیون حزب دمکرات که خود توده‌ای هستند، انتقادهای جدی متوجه رفتار مسلحانه حزب دمکرات می‌کند.

می‌خواهیم که در این شرایط حساس دستور قطع جنگ و خونریزی را صادر فرموده و درثانی به‌وسیله شخصیت‌هایی چون جناب آقای دکتر کریم سنجابی که خود از مردم کرد است در رفع غائله و نجات زنان و اطفال بی‌گناه کرد اقدام فرماید.^{۵۰}

همچنین امروز، مطالبی از خبرنگار شماره ۸۵ انجمن اسلامی کردهای مقیم مرکز در روزنامه انقلاب اسلامی انعکاس یافت. در این خبرنگار در مطلبی با عنوان "ناله هزاران" ضمن موضع‌گیری شدید علیه گروه‌های مارکسیست درگیر، به افشاگری اعمال و حشیانه آنان پرداخته شده است. بخش‌هایی از این مطلب بدین شرح می‌باشد: «طبق اخبار رسیده از سنندج چون نوکران امپریالیزم (کومه‌له، فدائی و دمکرات و پیکار) نابودی خود را قطعی می‌بینند، لذا دست به اعمال و حشیانه‌ای علیه جان و مال و ناموس مسلمانان کرد زده که ذیلاً به نظر می‌رسد.»^{۵۱} در ادامه این مطلب مواردی از قتل فجیع عده‌ای از مسلمانان کرد سنندج به دست گروه‌های یادشده، ذکر و سپس این سؤال مطرح شده است: «آیا اگر در ایران حکومت کمونیستی یا مارکسیستی و یا... بر سر کار آمده بود ما مسلمانان می‌توانستیم در کردستان بجنگیم؟ و هم‌زمان در میدان آزادی تهران میتینگ برگزار کنیم؟»^{۵۲} و در خیابان‌های شهر آزادانه روزنامه و اطلاعیه پخش کنیم؟ و شب‌ها می‌توانستیم با آقای لنین یا استالین یا مارکس یا مائو در تلویزیون مناظره کنیم؟ و اهانت به مقدسات توده‌ها بکنیم و آخر هم بگوییم آزادی نیست. عجب رویی!^{۵۱}

در این میان، تشکیلاتی که با حمایت سپاه پاسداران به نام سازمان پیشمرگان مسلمان کرد در مناطق کردنشین فعال است و در درگیری‌های مختلف نیز در حد توان حضور دارد، در عرصه تبلیغات از حمایت روزنامه‌هایی چون جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی برخوردار است. روزنامه انقلاب اسلامی از ملاقات امروز صبح نمایندگان این گروه با امام خمینی خبر داد. گزارش این روزنامه آمده است: «نمایندگان پیشمرگان کرد مسلمان به حضور امام خمینی رسیدند و با ایشان دیدار و گفت‌وگو کردند. امام خمینی در این دیدار طی سخنان کوتاهی فرمودند کردستان مال خود شماست و مردم دیدند گروه‌های سیاسی با مردم چه کردند. به مردم سفارش کنید که خودشان آنها را از منطقه بیرون کنند هم آنها و هم خود شما کمک کنید ان‌شاءالله وضع درست می‌شود.»^{۵۲*} به گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس از اقامتگاه امام خمینی، «یکی از نمایندگان پیشمرگان کرد مسلمان در دیدار با امام گفت: ما تا به حال مبارزه کرده‌ایم و تا آخرین قطره خون خود نیز در کنار همه یارانمان در راه شما و اسلام عزیز آماده فداکاری هستیم و از دولت جمهوری اسلامی می‌خواهیم که ما را در برابر گروه‌های ضدانقلاب تقویت کند.»^{۵۳}

* ضمیمه دارد؛ ذکر بعضی اعمال و رفتارهای گروه‌های درگیر در کردستان به روایت انجمن اسلامی کردهای مقیم مرکز. ** اشاره به برگزاری مراسم روز کارگر سازمان چریک‌های فدایی خلق در میدان آزادی که گزارش آن در روزشمار ۱۳۵۹/۲/۱۱، آمده است.

*** عین این عبارت بعداً در صحیفه امام درج شد؛ فقط در آخر صحبت کوتاه امام عبارت «و موفق باشید» افزون بر متن روزنامه آمده است.

۴۰۰

در شرایط کنونی که هنوز نهادها و ارگان‌های نظام جدید یا کاملاً تأسیس نشده‌اند یا هنوز بی‌تجربه و ناتوان هستند، سپاه پاسداران در عمل عمده وظایف بر زمین‌مانده آنها را برعهده دارد و این امر به‌خصوص در مناطق مستعد بحران و نواحی که مناسبات محلی بر روابط و ضوابط رسمی دولتی مقدم شمرده می‌شود، اغلب چالش‌هایی در پی دارد. در این میان انگیزه‌های فوق‌العاده نیرومند افراد سپاه که از وضعیت انقلابی تازه گذشته، در آنها باقی مانده است نیز باعث می‌شود افراد برای حل ناهنجاری‌ها خود را طوری به آب‌و‌آتش بزنند که ناظران نتوانند قضاوت واحدی راجع به آنان داشته باشند. واقعه‌ای که امروز در یکی از روستاهای جیرفت اتفاق افتاد، یکی از وقایعی است که بروز آنچه گفته شد به حساب می‌آید. سه روایت متفاوت روزنامه جمهوری اسلامی، ستاد مشترک ارتش و استانداری کرمان از ماجرا در ادامه ذکر شده است.

گزارش روزنامه جمهوری اسلامی: «امروز»، به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جیرفت اطلاع داده می‌شود که گروهی از ضدانقلابیون در منطقه حاجی‌آباد رودبار قصد تخریب و آتش‌سوزی خرمن‌ها را دارند، لذا بلافاصله گروه ضربت سپاه پاسداران این شهرستان به‌منظور حفظ امنیت به این منطقه عزیمت می‌کنند و قبل از اقدام ضدانقلابیون به آنان فرمان تسلیم می‌دهند، ولی ضدانقلابیون مقاومت کرده و به‌سوی پاسداران آتش می‌کشایند. برپایه همین گزارش، در درگیری که بین طرفین روی می‌دهد ۳ تن از ضدانقلابیون کشته و ۶ تن از آنان زخمی و دستگیر می‌شوند و فرمانده عملیات گروه ضربت سپاه پاسداران از ناحیه کتف مورد اصابت گلوله قرار گرفته و زخمی می‌شود.^{۵۴}

گزارش ستاد مشترک ارتش به مرکز فرماندهی سپاه: «برابر اعلام نیروی زمینی مستند به گزارش مرکز آموزش کرمان در عصر امروز در منطقه رودبار جیرفت بین سپاه پاسداران و یکی از سران عشایر جیرفت به نام دوران مالکی درگیری شدیدی رخ داد که در نتیجه دوران مالکی و ۲ نفر دیگر از عشایر کشته و ۶ نفر زخمی و ۴ نفر اسیر گردیده‌اند و سرپرست عملیات سپاه پاسداران به نام گلزار زخمی شده است که هم‌اکنون جنازه کشته‌شدگان و زخمی‌ها در بیمارستان جیرفت می‌باشد.»^{۵۵}

گزارش استانداری کرمان به وزارت کشور: «به اطلاع می‌رساند ساعت ۲۰:۳۰ روز یکشنبه ۱۳۵۹/۲/۲۱، سپاه پاسداران انقلاب در حال پیگیری شکایت اتباع مظفرآباد بوده‌اند که تهدید به سوزاندن خرمن‌هایشان شده بود به خانه‌ای که گروهی در آن بوده‌اند مشکوک می‌شوند و دستور می‌دهند که تسلیم شوند. از داخل خانه تیراندازی می‌شود و آقای گلزاری فرمانده سپاه زخمی و سپاه پاسخ متقابل می‌دهد و در نتیجه ۳ نفر از آنها که از عشایر رودبار هستند کشته و ۶ نفر زخمی می‌شوند. امروز صبح ساعت ۱۲، در دادگاه انقلاب اسلامی کرمان مسئله مطرح شد و گروهی جهت تحقیق عازم منطقه شدند. نماینده استانداری، ژاندارمری، سپاه پاسداران، دادگاه انقلاب در این گروه بودند. ساعت ۱۹:۳۰، جلسه تأمین استان تشکیل و مسئله مطرح و پیشگیری‌های لازم انجام شد، ضمناً ۹ قبضه اسلحه از انواع مختلف از آن خانه به دست آمده است. در هر صورت

فعالاً استانداری نمی‌تواند در مورد مقصر حادثه اظهار نظر کند تا بازرسی گزارش حادثه را اعلام نماید. لازم است دادستان جیرفت که بسیار جوان است و موقعیت محلی و زمانی را در نظر نمی‌گیرد، تعویض شود و سپاه پاسداران منطقه بیشتر توجیه شود تا زیر نظر استانداری کار کند. به محض رسیدن اطلاعات بیشتر تلفن گرام خواهد شد.

با احترام، استاندار کرمان غلامعباس زارع^{۵۶}

۴۰۱

پیامدهای انقلاب فرهنگی همچنان در جنبه‌های گوناگون بروز می‌کنند و جریان‌های مختلف با جهت‌گیری‌های متفاوت به این مسئله می‌پردازند. در این میان خودبه‌خود مسائلی تازه از مآوق درگیری‌های مزبور و تبعات آن طرح و فاش می‌شود. امروز، از سوی حزب جمهوری اسلامی، حزب توده، حزب کارگران سوسیالیست (که جمعی تروتسکیست هستند) هر یک به طریقی اعلام موضع شد و نیز جزئیاتی مستند از درگیری‌های روز اول اردیبهشت دانشگاه تهران، توسط مدیریت مستعفی دانشگاه تهران در نامه مفصلی، اعلام گردید.

حزب جمهوری اسلامی دریامی برای طلاب حوزه علمیه قم خاطر نشان کرد: «انقلاب اسلامی ما را خطری بزرگ تهدید می‌کند که از فقر فرهنگی و تهمت و افترا و با عرضه مکتب‌های انحرافی و التقاطی در صدد است نسل آینده ما را از اسلام بیگانه کند و این خطری است که امام امت آن را در دو قدمی انقلاب می‌بینند و در پیام نوروزی‌شان می‌فرمایند همه باید بدانند التقاطی فکر کردن خیانتی بزرگ به اسلام و مسلمین است که نتیجه و ثمره تلخ این نوع تفکر در سال‌های آینده روشن می‌گردد. تنها چاره و علاج این درد و تنها راه پیشگیری این خطر "انقلاب فرهنگی" است، انقلاب فرهنگی را نباید در درون سمینارها و میزگردها* جست‌وجو کرد آن هم سمینارهایی از بالای شهرنشینان فرنگ‌رفته که با عینک دمکرات‌مآبانه خود می‌بینند و از متن انقلاب و اسلام خالص فرسنگ‌ها فاصله دارند؛ انقلاب فرهنگی را باید از میان توده‌ها و از روستاهای دورافتاده آغاز کرد و آغازگران آن شما طلاب حوزه‌های علمیه هستید که باید به کمک دانشجویان مسلمان و متعهد دانشگاه‌ها به این رسالت عظیم تاریخی خود دست بزنید.»^{۵۷}

حزب توده نیز در شماره امروز ارگان خود نوشت: «مسئله دانشگاه‌ها در دو هفته‌ای که گذشت، در مرکز رویدادهای داخلی کشور قرار داشت. حادثه‌ای که با تحریم کلاس‌های درسی از طرف گروهی از دانشجویان مسلمان دانشگاه آذربادگان و طرح انقلاب آموزشی و توسط آنان شکل گرفت، با سرعت برق و باد کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور را درنوردیده و با غریب و هیجان در سطح جامعه منعکس شد. در این اوضاع و احوال خطیر، هر درگیری داخلی، هر کشمکش

* اشاره تلویحی به میزگرد انقلاب فرهنگی اسلامی در دانشگاه ملی که در چند روز اخیر با مدیریت جریان بنی‌صدر برپا شده است. گزارش آن در روزشمار ۱۳۵۹/۲/۲۰ آمده است.

به موقع، هر سرگرمی که اذهان را از مسئله اصلی، خطر اصلی و دشمن اصلی منحرف کند، مستقیماً به نفع شیطان بزرگ و دیگر شیاطین همدست اوست. به این اصل حیاتی و محوری همواره باید توجه داشت. در مسئله دانشگاه‌ها نیز این اصل محوری و تعیین‌کننده نباید از نظر دور شود. «...»^{۵۸} گروه تروتسکیستی موسوم به کارگران سوسیالیست نیز در شماره امروز ارگان خود کارگر، نوشت: «انجمن‌های اسلامی و سازمان دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور که به وجود آوردن تغییر بنیادی در نظام آموزشی را هدف خود قرار داده‌اند و در این راه تاکنون با مخالفت شورای انقلاب، دولت، ریاست جمهوری و گروه‌های فرقه‌گرا چون مجاهدین خلق و فداییان خلق مواجه بوده‌اند، اخیراً دست به ابتکار عمل جالبی زده‌اند. این انجمن‌ها در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به‌طور داوطلبانه از دانشجویانی که موافق شرکت فعالانه در مبارزات ضدامپریالیستی هستند ثبت‌نام می‌کنند و آنان را در یکسری کلاس‌های آموزشی تعلیم داده و به نهادهای انقلابی چون جهاد سازندگی و جهاد سوادآموزی و ارتش بیست‌میلیونی اعزام می‌دارند. این عمل انقلابی را انجمن‌های اسلامی "جذب نیرو" نامیده‌اند.»^{۵۹}

امروز همچنین گزارش بسیار مفصلي از طرف مدیریت سابق دانشگاه تهران با عنوان "مسئولیت این خونریزی‌ها به گردن این چهار گروه است" در روزنامه جمهوری اسلامی درج شد. این گزارش آنچه در روز اول اردیبهشت تا ساعاتی پس از نیمه‌شب، در دانشگاه تهران و حوالی آن روی داد را لحظه‌به‌لحظه دنبال کرده است و در آخر با انتقاد مختصری به تصمیم‌گیران قضیه از جمله شورای انقلاب، چهار گروه دانشجویی وابسته به سازمان‌های کمونیستی یعنی سازمان‌های پیش‌گام، پیکار، مبارز و راه کارگر را مسئول خون‌های ریخته‌شده دانسته است. در گزارش مدیریت سابق دانشگاه تهران چنین آمده است: آنها با تبلیغ وسیع در سطح شهر وانمود می‌کردند از دانشجویان کشتار زیادی رخ داده و زخمیان بسیارند، درحالی‌که در عمل و در عالم واقع، کشتگان این ۲۴ ساعت فقط ۳ نفر بودند که هر سه آنها نیز از مردمی بودند که جلوی دانشگاه تجمع کرده و با گروه‌های مزبور درگیر شده بودند. این گزارش مفصل در واقع در ادامه استعفانامه سوم اردیبهشت این جمع و در تکمیل آن ذکر شده است.^{۶۰*}

۴۰۲

دو نمونه گویا از نوع برخوردهای حزب توده، امروز، در ارگان این حزب درج شده است. این مطالب بیانگر ترویج خط مشی شوروی و نفی مخالفان آن ولو گروه‌های کمونیستی می‌باشد و در این راه حتی از افشای اقدامات کودکانه و نیز مخرب گروه‌های کمونیستی صرف‌نظر نکرده است. نامه مردم در شماره امروز خود تحت‌عنوان "باز هم پیکار با طبقه کارگر"، به طعن سازمان

* ضمیمه دارد؛ متن کامل نامه مدیریت سابق دانشگاه تهران حاوی گزارش لحظه‌به‌لحظه از وقایع روز اول اردیبهشت دانشگاه تهران.

مائوئیستی پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پرداخته و نوشته است: سازمان پیکار با طبقه کارگر در اعلامیه شماره ۷۳، به مناسبت روز اول ماه مه، ادعا می‌کند «کارگران هرروز بیشتر از هیئت حاکمه بریده و به سازمان‌های انقلابی کمونیست روی می‌آورند...»

این روزنامه در ادامه افزوده است: نشریه کار ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق، این ادعا را چنین افشا می‌کند و یکی از شاهکارهای پیکار را چنین شرح می‌دهد: در یک کارخانه، متعاقب تحصن چند تن از عناصر آگاه برای مقابله با توطئه کارفرما و اخراج ۲ تن از کارگران جدید ناآگاه می‌بینیم که حرکت اعتراضی این چند نفر، حرکت اعتراضی توده کارگران را (البته در جبهه مقابلش) برمی‌انگیزد. گروهی از کارگران به‌عنوان اعتراض به تحصن این عده و برای اخراجشان دست از کار کشیده، جلوی دفتر جمع می‌شوند و کارگران متحصن را از کارخانه بیرون می‌کنند. کارگران در پشت شیشه‌های ناهارخوری روی کاغذهایی نوشته بودند، "ما برای اخراج شما متحدیم!!" کار ادامه می‌دهد که پیکاری‌ها بعد از اخراج از کارخانه و جداماندن از توده کارگران این‌گونه استدلال می‌کنند که "... اگر ما را اخراج کنند، لاقلاً خاطر ما در ذهن کارگران می‌ماند و همیشه می‌گویند عجب کارگران مبارزی بودند...". روزنامه حزب توده در آخر آورده است: «حالا باز هم بگویید که این تریچه‌ها بیخود اسمشان را گذاشته‌اند "سازمان پیکار با طبقه کارگر" و الکی ادعا می‌کنند که کارگران به آنها می‌پیوندند!»^{۶۱}

نمونه دیگر یادآوری سابقه عناصر مرکزیت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر است که قبل از پیروزی انقلاب با مرکزیت مارکسیست‌شده سازمان مجاهدین خلق به تصفیه خونین بعضی مسلمان‌مانده‌های سازمان اقدام کرده بودند. در نامه مردم، این سابقه در قالبی طنز و با عنوان "ترور انقلابی" چنین یادآوری شده است:

«ترور انقلابی!

رفیقی گفت، پیکار با طبقه کارگر نوشته است: توده‌ای‌ها که بعد از خواب سنگین چندین و چند ساله خود از قیام شکوهمند مردم ایران و به برکت آن از سوراخ‌هایشان بیرون خزیده‌اند، به هرکجا که پایشان برسد خرابکاری می‌کنند. از این آقایان نمی‌پرسید، خودشان کجا بودند؟ ظریفی گفت: سرگرم ترور انقلابی (!) شریف واقعی‌ها بودند و به انقلاب از این راه خدمت می‌کردند.»^{۶۲}

۴۰۳

امروز، روزنامه اطلاعات از ابتکار جدید این روزنامه در دعوت از گروه‌های مختلف سیاسی برای تشکیل جلسه‌ای با عنوان "میزگرد وحدت" خبر داد که هدف از تشکیل آن جست‌وجوی ریشه‌های تفرقه و تشتت و ترسیم راه‌حلی بود که «در چشم‌انداز آن، همه نیروها در یک صف واحد زیر پرچم امام امت قرار گیرند و به مصاف با امپریالیسم جهانی برخیزند.»^{۶۳}

در این میزگرد که در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱۷، تشکیل شد از این گروه‌های سیاسی دعوت به

عمل آمده بود: «حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سازمان مجاهدین خلق ایران، سازمان چریک‌های فدایی خلق، حزب ملت ایران، حزب توده ایران، جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)، جنبش مسلمانان مبارز، نهضت آزادی ایران، جبهه ملی ایران، دفتر هماهنگی رئیس‌جمهوری با مردم».^{۶۴}

قابل توجه است که جنبش مسلمانان مبارز در این جلسه شرکت نکرد. حزب جمهوری اسلامی نیز این دعوت را نپذیرفت. این حزب دلایل عدم شرکت خود در این میزگرد را این‌گونه توضیح داد: «به‌لحاظ آنکه روزنامه/اطلاعات آشکارا در امتداد اهداف امپریالیسم و ضدانقلاب که خود در ضدیت کامل با وحدت ماست، گام برمی‌دارد (و مکرر، از جانب نیروهای انقلابی اسلامی مورد خطاب قرار گرفته و توجهی ننموده است)، از شرکت در چنین جمعی خودداری نموده و خصوصاً این توجه را می‌دهد در مجمعی که گروه‌هایی آنارشیست چون فداییان خلق که هرگز به بلوغ سیاسی نرسیده و فریب‌کاری و ضدیت با خلق و انقلاب اسلامی آنان کاملاً مشهود است، چگونه می‌شود از وحدت عمل برای مبارزه با امپریالیسم گفت‌وگو نمود. ما در جنگ با شیطان زمان، تنها به خداوند و خلق اصیل انقلاب تکیه می‌کنیم و هرگز با ضدانقلاب، نشستی نخواهیم داشت و این بدان دلیل است که ما وحدت را جدا از وحدت ایدئولوژیک نمی‌دانیم، چگونه با اشخاصی که از بحث زیربنایی می‌گریزند، به بحث روبنایی بنشینیم».^{۶۵}

همچنین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با ارسال نامه‌ای به روزنامه/اطلاعات، دعوت این روزنامه را رد کرد. این سازمان دلایل نپذیرفتن این دعوت را چنین اعلام کرد: اعتقادداشتن به وحدت استراتژیکی جدای از وحدت ایدئولوژیکی، وابستگی مشخص برخی گروه‌های دعوت‌شده (حزب توده، جبهه ملی و...) به ابرقدرت شرق یا غرب، بی‌معنی بودن مذاکره بر سر منافع مردم با گروه‌هایی چون سازمان چریک‌های فدایی خلق که با دولت منتخب مردم می‌جنگند و سپاهیان را به قتل می‌رسانند و ...

این سازمان در پایان نامه خود نوشت: «به‌نظر ما چنین میزگردی با این کیفیت مدعوین و همچنین نحوه طرح سؤال‌ها انحرافی بوده و در این جهت است که تمام این گروه‌ها را که اغلب ضدانقلاب یا بعضاً در خطی غیر از خط انقلاب اسلامی هستند دوستان انقلاب جلوه دهد، این خود بی‌تردید از عدم اطلاع و یا از ساده‌لوحی دست‌اندرکاران ناشی می‌شود».^{۶۶}

بنابراین، میزگرد با حضور نمایندگان هشت گروه سیاسی در دفتر روزنامه/اطلاعات تشکیل شد و در آن عبدالعلی بازرگان از نهضت آزادی ایران، دکتر ناصر تکمیل همایون از حزب ملت ایران، مهدی عسکری از جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)، فرج‌الله میزانی (جوانشیر) از حزب توده ایران، عباس داوری از سازمان مجاهدین خلق ایران، فرخ نگهدار از سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، دکتر مسعود حجازی از جبهه ملی ایران و محمد مبلغی اسلامی از دفتر هماهنگی رئیس‌جمهور با مردم شرکت داشتند و هرکدام به ترتیب مطالبی ایراد کردند.^{۶۷}

۴۰۴

در پی اعتراضات وسیع به اظهار نظر مهندس بازرگان درباره محسنات انتخاب شدن مسعود رجوی برای نمایندگی مجلس، امروز، روزنامه کیهان متن یک گفت‌وگوی اختصاصی با وی را درج کرد. روند این گفت‌وگو به نحوی در جهت تبرئه بازرگان از هم‌نوایی و هم‌مسلمکی با سازمان مجاهدین خلق است؛ سازمانی که در ستیزی آشتی‌ناپذیر با نیروهای خط امام قرار دارد و روزبه‌روز نیز این فاصله و شکاف بیشتر می‌شود. در این حال، نوع برخورد بازرگان، برآشفتگی زیادی را طبعاً در پی داشت. مسئله قابل توجه دیگر تفاوت سنخ کار سازمان با نهضت آزادی به خصوص شخص بازرگان در جنبه‌های مختلف است که از نظر بسیاری، این نگاه بازرگان نوعی وادادگی در برابر جریان‌ی تلقی شد که هم در ایدئولوژی و هم در تاکتیک، از جدی‌ترین مخالفان نهضت آزادی به شمار می‌رود. این تفاوت چه سال‌های قبل از انقلاب (که نهضت آزادی خاموش بود و سازمان در "جنبش مسلحانه" در حال تبدیل شدن به اسطوره بود) و چه بعد از آن در قالب آموزش‌های تشکیلاتی سازمان، به شکلی تحقیرآمیز علیه نهضت آزادی ابراز می‌شد. برعکس، این کار یک پیروزی بزرگ برای سازمان مجاهدین خلق بود که بدون دادن هیچ امتیازی، چنین امتیازی می‌گرفت. دفاعیه امروز بازرگان از این نظر هم ضروری تشخیص داده شده بود که حتی بسیاری دوستانداران بازرگان، این حرکت را اشتباه و بلکه ویرانگر و در جهت تخریب سابقه وی می‌دانستند و آن را یک خطای بزرگ می‌شمردند. در هر حال، در ادامه بخشی از متن مصاحبه بازرگان در کیهان امروز که طبعاً به دلیل حضور دکتر ابراهیم یزدی در رأس کیهان، کاملاً در جهت تبرئه و تبلیغ برای بازرگان تنظیم شده، درج گردیده است. چکیده این مصاحبه بدین شرح است: «مهندس بازرگان در یک گفت‌وگوی اختصاصی با کیهان انگیزه انتشار دو اطلاعیه خود را درباره مسعود رجوی (یکی از رهبران مجاهدین خلق) و دیگری توضیحی بر اطلاعیه اول* را تشریح کرد. مهندس بازرگان در این گفت‌وگو تأکید کرد که دلیل اقدام من در دور دوم انتخابات اینکه من معتقدم و ضروری و حق می‌دانم که اختیار مملکت و حق دخالت در امور و نظارت از طریق مجلس اختصاص به دسته خاص از ملت ولو اکثریت و افراد خیلی صالح نداشته باشد، بلکه همه گروه‌ها و قشرهای ملت بر حسب عده و جمعیتشان و بر طبق اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی در تعیین سرنوشت سیاسی مملکت مشارکت نمایند. منتها این بستگی دارد به اینکه این افراد و گروه‌ها بتوانند حمایت و اعتماد مردم را نسبت به خود جلب نمایند، نه از راه زور و تحریک.»^{۶۸}

۴۰۵

در شرایطی که تیمسار اویسی از فرماندهان مؤثر ارتش شاه، بعد از فرار همچنان علیه نظام جمهوری اسلامی فعال است، امروز، روزنامه نامه مردم ارگان حزب توده، در گزارشی از آمادگی وی برای تدارک یک کودتا خبر داد.

* برای توضیح بیشتر درباره اطلاعیه بازرگان شامل ابراز امیدواری وی برای رأی آوردن مسعود رجوی در انتخابات مرحله دوم مجلس و نیز اطلاعیه دوم توضیحی وی، به روزشمار ۱۳۵۹/۲/۱۷ رجوع شود.

متن گزارش به این شرح است: «اویسی در مصاحبه‌ای با فیگارو مگزین که سه‌شنبه گذشته، در پاریس منتشر شد اعلام کرد که آماده کودتا است. اویسی در این مصاحبه به‌طور عریان گفت که به سران درجه اول امریکا در تماس است. او گفت: منتظر هستیم که برای یک کودتا، پشتیبانی امریکا را داشته باشیم تا اقدام کنیم. در مورد ارتش، اویسی گفت: در ایران افسران زیادی از ارتش با ما هستند. افسرانی که ظاهراً در امریکا تعلیم می‌بینند نیز به ما پیوسته‌اند و آنهایی که در عراق، مصر و اسرائیل هستند همچنین. اویسی امکانات خود در ایران را چنین توصیف کرد: ۳۰۰۰ افسر و ۸۰۰۰۰ آدم معمولی که متشکل و مسلح هستند در اختیار ماست، علاوه بر آن ما دارای ۳۰ هلیکوپتر هستیم. در مورد ارتش جمهوری اسلامی او گفت: از ۸۰۰ تانکی که ارتش در اختیار دارد، ۳۰-۲۵ عدد آنها اکنون قابل استفاده هستند. این روزنامه افزود: اویسی در جواب سؤالی که در ایران چه نیرویی با ارتش اویسی می‌تواند مقابله کند، گفت که از جمله ارتش ۳۰۰۰۰ نفری سپاه پاسداران می‌تواند مزاحمت‌هایی در برابر ما به وجود آورد. درباره حزب توده ایران، اویسی گفت: حزب توده وابسته به [آیت‌الله] خمینی است و شدیداً از خمینی دفاع می‌کند.» نامه مردم در انتهای خبر از قول اویسی آورده است: «من این سرزمین را خوب می‌شناسم و به امکانات محلی کاملاً واقف هستم و در موقع مناسب امکان عمل خواهیم داشت.»^{۶۹}

یادآوری می‌شود بنی‌صدر در سرمقاله روزنامه انقلاب اسلامی به مطالبی اشاره کرده است که نشان می‌دهد بحث وقوع یک کودتا در آینده، در محافل مختلف به طرق گوناگون رواج دارد. در این سرمقاله بنی‌صدر نوشته است: «دیشب، برادری برای من یادداشتی فرستاده بود به این شرح: یکی از دوستان از منابع موثق وزارت خارجه فرانسه کسب اطلاع کرده که آنها در گزارش خود در ارزشیابی اوضاع ایران به رئیس‌جمهوری خود ژیسکار دستن اطلاع داده‌اند که با وجود حرکتی که در داخل ایران این کشور را به سوی نوعی فاشیسم مذهبی سوق می‌دهد، امکان یک کودتای امریکایی در ایران فراهم می‌شود. منابع مطلع همچنین گزارش می‌کنند که در این عملیات حداقل ۵۰۰ نفر از سران سیاسی و نظامی ایران در مرحله اول با یک یورش از بین خواهند رفت و شورش عمومی مردم که بدون تردید نیرومند خواهد بود (باتوجه به اینکه نیروهای ناراضی ملی و قشرهای تکنوکرات بر اثر تندروری‌های رو به تزاید جناح افراطی مذهبی به طرف معتدلین گرایش پیدا کرده است و با عملکرد صحیح عوامل خارجی در ایران خنثی نگه داشته خواهند شد و در برابر خشونت نظامی نیروهای جدید ساکت خواهند شد) سرکوب خواهند شد به این ترتیب پیش‌بینی می‌شود بتوان این کشور را در صورت چنین اقدامی از جانب ایالات متحده بعد از دو یا سه هفته بحران سخت داخلی به آرامش کشاند.» بنی‌صدر افزوده است: «از قرار اطلاع آقای قاسملو با یک روزنامه ایتالیایی مصاحبه کرده و گفته است: به‌هنگام پیشامد اشغال سفارت امریکا یا مرکز حکومت امریکا بر ایران، عده‌ای از افسران عالی‌رتبه به او مراجعه کرده و گفته‌اند، اگر با آنها کنار بیاید بعد از پیروزی به او خودمختاری خواهند داد. این افسران اخیراً نیز که امریکاییان به ایران تجاوز کرده بودند مراجعه و همان وعده را تکرار کرده‌اند.»^{۷۰}

ضمیمه گزارش ۳۹۲: گزارش بعدی رادیو لندن از نفر هفتم و ادعای عرب‌گرایی در حمله به سفارت ایران در ۴ خرداد ۱۳۵۹، در بخش فارسی رادیو لندن اعلام شد نفر هفتم و رهبر گروه حمله‌کننده به سفارت ایران که علی محمد نامیده شد، در مصاحبه‌ای با مجله زیر نظر محمد فاروقی گفته است: هدف از اشغال سفارت ایران این بود که توجه جهانیان را به نژادپرستی ضدعرب که در ایران اعمال می‌شود جلب کنند. علی محمد گفته است که رژیم جدید در ایران اعراب را استثمار کرده است و اینکه درمورد اعراب ایران در ادارات دولتی تبعیض قائل می‌شوند. علی محمد می‌گوید به دلیل اینکه دولت ایران مطبوعات را سانسور می‌کند اعراب قادر نیستند صدای خود را به گوش دنیا برسانند.^{۳۱} یادآوری می‌شود هدف اشغال سفارت ایران، آزادی زندانیان موسوم به خلق عرب اعلام شده بود که با مخالفت شدید ایران مواجه شد و شکست خورد.

ضمیمه گزارش ۳۹۹: ذکر بعضی اعمال و رفتارهای گروه‌های درگیر در کردستان به روایت انجمن اسلامی کردهای مقیم مرکز در افشاگری جمعیت کردهای مقیم مرکز، در توضیح اعمال و حشیانه‌ای علیه جان و مال و ناموس مسلمانان کرد، چنین آمده است:

۱. «باقیمانده مردم سنندج که قصد خروج از شهر سنندج را دارند به وسیله گروه‌های ضدانقلاب هدف گلوله قرار می‌گیرند و از خروج آنها به شدت جلوگیری می‌شود تا از آنان به‌عنوان سنگر جهت حمله به برادران ارتشی و پاسداران و پیشمرگان مسلمان کرد استفاده نمایند.

۲. مسجد جامع را به سنگر تبدیل کرده و از آنجا با اسلحه سبک و سنگین به برادران ارتشی و سپاه پاسداران و پیشمرگان مسلمان کرد و مردم مسلمان حمله نمایند تا نیروهای مسلمان نیز متقابلاً تیراندازی کرده و مسجد تخریب شود و سپس بتوانند بوق و کرناهای داخلی و خارجی خود را به کار اندازند و بگویند ارتش و سپاه پاسداران مسجد را تخریب می‌کنند.

۳. در چند روز اخیر، عده‌ای از مسلمانان مبارز کرد را دستگیر نموده و بدون بازجویی با منطق مارکسیسم استالینیسم آنها را اعدام کرده‌اند. از آن جمله این خلقی‌های طرف‌دار کارگر یکی از کارگران سنندجی را به نام معروف شبلی بیست و پنج ساله که نماینده کارگران سنندجی بوده همراه برادرش هادی شبلی به طرز فجیعی مثله کرده‌اند و شمس‌الله مشیر پناهی و علی غفوری و نعمت گچکار را اعدام کرده‌اند].

ضمناً جنازه برادر علی غفوری را سوزانده‌اند. درمورد شهید معروف شبلی و برادرش ابتدا شاهرگشان را با چاقو پاره کرده تا از دیدن دست‌وپا زدن آنها لذت ببرند، ولی دو برادر به‌طور مکرر داخل خون خود با صدای بلند الله‌اکبر می‌گویند. نوکران امپریالیزم عصبی شده و دهانشان را با چاقو درمی‌آورند. مجدداً در لحظات آخر باز از شنیدن الله‌اکبر خشمگین شده و آنها را تیرباران می‌کنند. ننگ بر بی‌منطقان، درود خدا بر شهدای اسلام»^{۳۲}

ضمیمه گزارش ۴۰۱: متن کامل نامه مدیریت سابق دانشگاه تهران حاوی گزارش لحظه‌به‌لحظه از وقایع روز اول اردیبهشت دانشگاه تهران

نظر به حضور لحظه‌به‌لحظه نویسندگان نامه و نیز موضع انتقادی جدی آنان در برابر مسئولان وقت که بر اهمیت مندرجات نامه افزوده است، متن کامل این نامه که بسیار حائز اهمیت است بدین قرار درج می‌شود:

«به نام خدا

به‌دنبال وقایع و زدو خوردهای اخیر دانشگاه تهران، در استعفانامه خود به تاریخ ۱۳۵۹/۲/۳، وعده کردیم که شرح وقایع و دلایل استعفای خود را به‌زودی به‌اطلاع امام و امت برسانیم. وظیفه خود می‌دانیم که ملت شریف و رزمنده ایران را در جریان واقعیت آنچه که گذشت قرار دهیم تا خود قضاوت کنند و مقصر را از بیگانه [بی‌گناه] بازشناسد. در روز دوشنبه ۱۳۵۹/۲/۱ که بنا به تصمیم شورای انقلاب آخرین روز مهلت برای تخلیه دفاتر گروه‌های سیاسی در دانشگاه بود، از اولین ساعات بامداد، ساختمان دفتر دانشجویان پیش‌گام، هواداران سازمان پیکار، مبارز و راه کارگر واقع در خیابان ۱۶ آذر، توسط افراد زیادی به‌صورت چند حلقه زنجیر محاصره و محافظت می‌شد و تعدادی هم پاسدار کمیته در خیابان حضور داشت.

آنچه از دفتر ریاست دانشگاه واقع در طبقه پنجم سازمان مرکزی که مشرف به تمام صحنه بود مشاهده می‌شد حاکی از این بود که مقدار زیادی سنگ و چماق در زیر توده‌های کاغذ در کف خیابان ۱۶ آذر استتار شده بود و ظاهراً توده‌های کاغذ برای آن بود که در صورت استفاده از گاز اشک‌آور با آتش‌زدن آنها گاز را خنثی کنند. استتار سنگ‌ها هنگامی آشکار می‌شد که جمع‌کنندگان، قطعات جدید سنگ را مرتباً به صحنه آورده و در زیر روزنامه‌ها پنهان می‌کردند.

در آن ساعات اول روز که هنوز از اجتماع مردم در آنجا خبری نبود، اینان با پلاکاردهایی مردم را به مقاومت در خیابان ۱۶ آذر تشویق می‌کردند. ظاهر کاملاً رزمی که اعضا و هواداران این سازمان‌ها به خود گرفته بودند و دعوت علنی از مردم برای به‌اصطلاح مقاومت در برابر تصمیم شورای انقلاب، خود از دلایل اجتماع تدریجی مردم در آنجا بود که با گذشت زمان بر تعداد آنها افزوده می‌شد. در اینجا ذکر این نکته لازم است که چون به این گروه‌ها تا پایان روز دوشنبه، فرصت داده شده بود مردم می‌بایست قاعدتاً تا پایان مهلت از حضور در محل خودداری نمایند، ولی مشهود بود که دست‌هایی در پس پرده گروه‌هایی از مردم را به حضور در محل تشویق می‌کرد و این دلیل دیگری بر اجتماع مردم در آن مکان بود. این صف‌آرایی و تهیه سنگ و چماق و دعوت از مردم برای به‌اصطلاح مقاومت کاملاً نشانگر آن بود که چهار گروه مزبور، آن روز مصمم بودند با ایجاد یک درگیری وسیع حادثه‌ای ناگوار بیاورند و آن را به نام شورای انقلاب و رئیس‌جمهور ثبت کنند. ما که از طبقه پنجم سازمان مرکزی دانشگاه، شاهد همه وقایع و تمامی صحنه بودیم وقوع چنین درگیری خونین و ناگوار را پیش‌بینی و با تمامی وجود حس می‌کردیم. به همین دلیل برای جلوگیری از این حادثه ناگوار تلاش بسیار کردیم. در تمام طول روز از یک سو با مقامات مسئول مرتباً تماس گرفتیم و از آنها خواستیم که با مستقر کردن تعداد کافی از پاسداران در مدخل خیابان‌های مختوم به دانشگاه راه را بر مردم ببندند تا در صحنه‌ای که اینان برای درگیری با خلاق تدارک دیده بودند مجتمع نشوند، و از سویی دیگر با تماس با سازمان دانشجویان پیش‌گام مصرانه از آنان خواستیم که هر چه زودتر نمایندگان خود را برای مذاکره نزد ما بفرستند تا شاید بتوانیم راه را بر بروز حادثه ببندیم. سازمان دانشجویان پیش‌گام وعده داد که نماینده خود را در ساعت ۲ بعدازظهر، بفرستند. در جلوی اجتماع مردم، گروهی در برابر صف‌آرایی این چهار سازمان ایستاده و با فریاد "حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله" و شعارهایی دیگر، علیه آنان شعار می‌دادند. ضمناً مقامات مسئول به تماس و درخواست مستمر ما در مورد بستن راه‌های مختوم به دانشگاه برای جلوگیری از بروز درگیری، کوچک‌ترین اعتنایی نکردند تا آنکه در ساعت ۱:۴۵ بعدازظهر، یعنی ۱۵ دقیقه قبل از وعده ملاقات ما با نمایندگان دانشجویان پیش‌گام، چند نفری در صف مقدم جبهه، یعنی مرز بین دو گروهی که در مقابل هم صف‌آرایی کرده بودند به جان هم پریدند که ناگهان اعضا و هواداران پیش‌گام، پیکار، مبارز و راه کارگر که از اوایل بامداد، صحنه نبرد را تدارک دیده بودند سنگ‌ها و چماق‌ها را از زیر توده‌های کاغذ درآورده و به جان طرف مقابل افتادند که آنان نیز شروع به پاسخ متقابل کردند و این چنین کارزار شروع شد. بلافاصله پس از خاتمه درگیری اعضا و هواداران پیش‌گام، پیکار، مبارز و راه کارگر شروع به سنگ‌رندی در سرتاسر خیابان ۱۶ آذر کردند و صف مقدم جبهه را به ابتدای خیابان، یعنی مدخل خیابان ۱۶ آذر از خیابان انقلاب کشاندند و در مدت زمان کمی موزائیک‌های دور استخر محوطه‌ای را که محاصره کرده بودند کنده و به قطعات کوچک‌تر تقسیم کرده و در کف خیابان برای درگیری مجدد انباشتند. در همین فاصله، قسمتی از دیوار و نرده‌های دانشگاه را خراب کردند و قطعات صندلی‌های چوبی [نیمکت] محوطه دانشگاه را برای تهیه چماق از جای درآوردند. تعدادی از آنها در روی سقف باشگاه دانشگاه به جمع‌آوری سنگ مشغول شدند و حتی بنزین اتومبیل‌های دانشگاه را، لابد برای تهیه کوکتل مولوتف، کشیدند و خلاصه از تخریب هر آنچه امکان داشت برای سنگ‌رندی و تهیه چماق خودداری نکردند. عصرهنگام که خبر درگیری در اطراف دانشگاه در شهر پخش شده بود گروه‌های مردم به‌سوی دانشگاه سرازیر شدند و با آنکه آگاهانه شعار می‌دادند: "توطئه فدایی درگیری، درگیری"، ولی کاملاً مشخص بود که صحنه درگیری با همان شیوه بعدازظهر می‌تواند تکرار شود و این بار با سنگ‌رندی و تدارکی که این سینه‌چاکان خلق!! دیده بودند بسیار خون‌بارتر از بار پیش می‌شد، به‌خصوص که شب نزدیک بود. سازمان

دانشجویان پیش‌گام که قرار بود نمایندگان خود را در ساعت ۲ بعدازظهر، برای مذاکره به دفتر مدیریت دانشگاه بفرستد از این کار خودداری کرد. پس از تماس‌های مجدد قول دادند که در ساعت ۶ بعدازظهر، نماینده خود را برای مذاکره و تبادل نظر با مدیریت دانشگاه در مورد تخلیه دفاتر خود و جلوگیری از بروز حادثه فرستاده و این بار نیز همان‌طور که انتظار می‌رفت، به قول خود وفا نکردند. بر ما مسلم شد که اینان قصد دارند تا آخرین لحظه این مهلت که بنا به دعوت رئیس‌جمهور مردم به دانشگاه خواهند آمد از فرصت استفاده کنند و با ایجاد درگیری و زخمی کردن و کشتن مردم و نیز خرابکاری در دانشگاه حادثه خون‌بار به وجود آورند و سپس با تبلیغات وسیع آن را به نام دولت و شورای انقلاب ثبت کنند.

بلافاصله پس از درگیری بعدازظهر، طبق برنامه قبلی تعدادی از آنها در سطح شهر، به ویژه خیابان‌های اطراف دانشگاه با قیافه‌های سراسیمه و آشفته و بلندکردن پلاکارد از مردم پنبه و پنسیلین و خون و یخ طلب می‌کردند و چنین وانمود می‌کردند که کشتار وسیعی رخ داده و زخمیان بی‌شماری در دم مرگ‌اند و تعداد کشتگان را با ارقام دروغین اعلام می‌کردند، درحالی‌که طبق آمار منتشره ۳ نفر در مدت این ۲۴ ساعت، کشته شدند و البته تا آن لحظه با یاری مردم و پاسداران کسی کشته نشد، ولی عده‌ای به وسیله سنگ و چماق از طرفین مجروح شدند و قابل توجه است که کشته‌شدگان این ۲۴ ساعت، هیچ‌کدام از این سینه‌چاکان خلق نبودند، بلکه همگی از مردمی بودند که در صف مقابل آنها ایستادگی می‌کردند. ساعت ۶ بعدازظهر، بعد از بدقولی دانشجویان پیش‌گام در مورد فرستادن نماینده خود و نیز توجه نکردن مسئولین مملکتی به خواست ما مبنی بر بستن خیابان‌های مختوم به دانشگاه برای جلوگیری از اجتماع مردم و در نتیجه جلوگیری از درگیری، از آنجا که هر لحظه احتمال بروز حادثه خونین دیگری می‌رفت به ناچار به رئیس‌جمهور و شورای انقلاب مراجعه کرده و پس از شرح وقایع آن روز و انتقاد کوتاهی از مسئولان، مصرانه خواستیم که با فرستادن پاسدار و ماشین‌های بلندگودار مردم را از کسانی که در خیابان ۱۶ آذر سنگر گرفته بودند، جدا کنند و با همین شیوه صفوف مردم در طول شب از آنان جدا شد و هیچ‌گونه درگیری به وجود نیامد. سؤال این است که چرا مسئولان، با همین شیوه در طول روز که ما مرتباً پیشنهاد می‌کردیم، از درگیری و خونریزی جلوگیری نکردند. لازم به تذکر و توجه است که مراجعه ما به رئیس‌جمهور و شورای انقلاب باعث شد که ترتیبی اتخاذ شود که آن شب از یک درگیری و خونریزی وسیع جلوگیری شود، والا غرض ورزی این گروه‌ها و بی‌توجهی مسئولان فاجعه بزرگی به بار می‌آورد.

در ساعت ۱۵:۲۲، ۳ نفر به دفتر مدیریت دانشگاه مراجعه کرده و خود را نماینده چهار سازمان پیش‌گام، پیکار، مبارز و راه کارگر خواندند و از همه چیز سخن گفتند الا تخلیه و تحویل دفاتر خود و بار دیگر بر ما مسلم شد که اینان مصمم‌اند تا آخرین دقیقه مهلت مسلحانه مقاومت کنند و خونریزی را ادامه دهند. در طول شب صدای تیراندازی از داخل و خارج دانشگاه ادامه داشت که در این رابطه توجه به دو نکته بسیار مهم و ضروری است: اول اینکه صدای گلوله‌هایی که از خارج دانشگاه، محل استقرار پاسداران و توسط آنان شلیک می‌شد با صدای گلوله‌هایی که از داخل دانشگاه شلیک می‌شد عمدتاً متفاوت بود. دوم اینکه در ساعت ۲ بامداد سه‌شنبه ۱۳۵۹/۲/۲، از دفتر دانشجویان پیش‌گام به ما تلفن زدند که تصمیم گرفته‌ایم دفتر خود را تخلیه کنیم و درست از همان لحظه صدای تیراندازی از درون دانشگاه قطع شد. باتوجه به اینکه پاسداران در خارج دانشگاه مستقر بوده و از هجوم مردم جلوگیری می‌کردند و در سباهی کامل شب از مردم کسی در دانشگاه نبود و نیز باتوجه به دو نکته فوق، آشکار می‌شود که اعضا و هواداران این سازمان بودند که سرتاسر شب در داخل دانشگاه سنگر گرفته و تیراندازی می‌کردند تا پاسداران نیز پاسخ بدهند و در نیمه‌های شب، در دل مردم رعب و وحشت ایجاد کنند و همه چیز را به نام شورای انقلاب تمام کنند و چنین هم کردند.

در ساعت ۴:۳۰ بامداد، نمایندگان رئیس‌جمهور، کمیته و نمایندگان دانشجویان پیش‌گام به دفتر مدیریت دانشگاه آمدند تا برای چگونگی تخلیه و تحویل دفاتر مذاکره کنند و درخواست اصلی‌شان این بود که پاسداران برای خروج از آنها محافظت کنند تا مورد هجوم مردم واقع نشوند. بالاخره در نزدیکی‌های سپیده پس از جرحیحت زیاد دفاتر آنان به نماینده دانشگاه تحویل شد که ایشان هنگام تحویل گرفتن در یکی از دفاتر دانشجویان پیش‌گام اسلحه دیده بود. نکته‌ای که لازم است ملت عزیز ایران و امت اسلام به آن توجه کنند و از این جمله خود حدیث مفصل را

بخوانند این است که یکی از دو نفر نماینده دانشجویان پیش‌گام که در این جلسه حضور داشت آقای فرخ نگهدار بود. ایشان همان کسی است که در اوایل پیروزی انقلاب به نام نماینده سازمان چریک‌های فدایی خلق به تلویزیون می‌آمد و در حالی که پشت به مردم کرده بود حرف می‌زد. این شخص اولاً دانشجو نیست، ثانیاً یکی از سردمداران و رهبران سازمان چریک‌های فدایی خلق است که به نام نماینده دانشجویان پیش‌گام که هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق‌اند برای مذاکره و نحوه تخلیه و تحویل دفاتر آنان آمده بود. ملت رزمنده ایران باید از این دغل‌کاران که به نام دانشجو دفاتری را اشغال کرده و از امکانات و بیت‌المال مسلمین زیر پوشش فعالیت‌های دانشجویی استفاده می‌کنند، بپرسد و آنها را در دادگاه خدا و خلق محاکمه کند که این چگونه سازمان دانشجویی است که در آخرین دقائق یکی از رهبران سازمان چریک‌های فدایی خلق را که دانشجو هم نیست برای مذاکره و تخلیه اتاق‌ها می‌فرستد و نیز از این دفاتر علیه خلق ستم‌کش ایران به‌عنوان ستاد عملیاتی چریک‌های فدایی خلق [استفاده می‌کنند] و به اقدامات تخریبی و مسلحانه دست می‌زنند و با تبلیغات مردم را می‌فریبند و جنگ روانی نیز ایجاد می‌کنند که مردم خون و وسایل زخم‌بندی و درمان بدهند که شورای انقلاب و دولت کشتار کرده است، در حالی که خودشان در دل سیاهی شب از درون دانشگاه به بیرون که محل اجتماع مردم [بود] تیراندازی و دانشگاه را به ویرانه‌ای تبدیل کردند. پس از سپیده‌دم که آنان دانشگاه، خیابان ۱۶ آذر و دفاتر خود را تخلیه کردند آنچه که در دانشگاه و ساختمان امور دانشجویی (محل دفتر آنان) مشاهده می‌شد انبوهی از خرابی و خرابکاری بود، گویی سبیده‌دمی بود پس از شبیخون قوم مغول به دانشگاه و خیابان ۱۶ آذر. موزائیک‌های کنده شده از زمین، صندلی‌های شکسته تالار مولوی که در محوطه دانشگاه انباشته شده بود، مقدار زیادی یخ که با دروغ و تزویر از مردم جمع‌آوری کرده و در گوشه‌های انباشته بودند، چراغ‌های شکسته محوطه دانشگاه، درها و شیشه‌ها و پنجره‌های خردشده باشگاه ویران‌شده دانشگاه، دستگاه صوتی نماز جمعه بود که نابود شده بود، میزهای رستوران‌های دانشگاه که برای سنگربندی در محوطه ریخته و از بین برده بودند، قطعات بزرگ و کوچک سنگ و چوب و زرده‌های شکسته‌شده دانشگاه و... همه اینها خرابی‌هایی بود در محوطه دانشگاه که عمدتاً در طول شب ایجاد شده بود در حالی که از مردم یک نفر در آنجا حضور نداشت و همه به‌دست این فداپایان سینه‌چاک خلق و از بیت‌المال خلق برای مقابله با تصمیم شورای انقلاب و رئیس‌جمهوری منتخب مردم.

باتوجه به شرح مختصر حوادثی که گذشت، از دید ما که شاهد و ناظر صحنه بودیم، علل آنچه به استغفای ما منجر شد چنین [است]:

۱. علت اصلی حادثه که به تصمیم‌گیری شورای انقلاب برای تخلیه دفاتر گروه‌های سیاسی منجر گردید حاکمیت این گروه‌ها در دانشگاه است در حالی که عده معتناهی از استادان دانشگاه فاقد دفتر کار هستند و در دانشکده‌ها کلاس درس کافی وجود ندارد. گروه‌های سیاسی نزدیک به ۱۸۰ اتاق را اشغال و به دفتر فعالیت‌های سیاسی خود تبدیل کرده‌اند، حتی در یکی از دانشکده‌ها دفتر ریاست دانشکده از اشغال اینان در امان نماند. حاکمیت گروه‌های سیاسی در دانشگاه امروز، فاجعه‌ای است که همه مسئولان و اکثریت قریب‌به‌اتفاق استادان از آن رنج می‌برند و هرروز به‌علت رقابت‌های سیاسی بین این گروه‌ها و نشناختن حدود برای خود، دامنه حاکمیت آنان گسترده‌تر می‌شود.

مدیریت موقت دانشگاه تهران در همان روزهای بازگشایی دانشگاه پس از انقلاب به گروه‌های سیاسی پیشنهاد کرد که دفاتر خود را تعطیل کنند و در عوض مدیریت دانشگاه ساختمانی را مانند همه دانشگاه‌های دنیا به فعالیت‌های دانشجویی اختصاص خواهد داد و به هر دسته و انجمن دانشجویی فقط یک دفتر خواهد داد، ضمناً در دانشگاه هیچ حزب و سازمان و گروه سیاسی را به رسمیت نمی‌شناسند و فقط دانشجو و فعالیت‌های دانشجویی را مجاز می‌دانند. هیچ‌یک از این گروه‌ها حاضر نشدند که با گروه دیگر حتی در طبقات مجزای یک ساختمان کار کنند، زیرا معتقد بودند که ساختمان در و راه‌پله مشترک دارد و آنان حاضر نیستند از یک در وارد و خارج شده و از یک راه‌پله بالا بروند و همسایه یکدیگر باشند. حاکمیت این گروه‌های سیاسی لطمه بزرگ‌تر از این به دانشگاه وارد کرده است و آن اینکه شوراهای هماهنگی دانشکده‌ها را (که مرکب از نمایندگان استادان، دانشجویان و کارکنان است) به‌کلی از شکل و محتوای آکادمیک خارج کرده و به آنها شکل و محتوای سیاسی

داده است. نمایندگان دانشجویی در این شوراها به جای آنکه از کلاس‌ها و گروه‌های آموزشی دانشکده‌ها باشند تا به مسائل آکادمیک بپردازند از گروه‌های سیاسی دانشجویان که هرکدام وابسته به یک سازمان و حزب سیاسی است انتخاب شده‌اند. به همین دلیل در ۱۴ ماه گذشته این شوراها فقط به جنگ و دعوی سیاسی پرداختند. مثلاً برای تقسیم‌بندی دیوارهای دانشکده‌ها به منظور نصب اعلامیه‌های خود ساعت‌ها در شوراها بحث کرده‌اند، ولی کوچک‌ترین قدمی در راه اعتلای آموزش دانشکده‌ها برنداشتند و همه معیارهای آموزشی را به پای اهداف سیاسی خود قربانی کردند. برخی از آنان در برابر این اعتراض که چرا باید گروه‌های سیاسی حدود ۱۸۰ اتاق را در دانشگاه اشغال کنند پاسخ بدهند که دانشگاه برای دانشجو است و اگر شوراها هماهنگی تصمیم بگیرند حتی همه اتاق‌ها هم باید به گروه‌ها اختصاص داده شود. ملاحظه می‌شود علت‌العلل همه این حوادث حاکمیت این گروه‌هاست که تصمیم‌گیرنده اصلی آنان تماماً احزاب و سازمان‌هایی است که اینان بدان‌ها وابسته‌اند.

۲. یکی از بزرگ‌ترین دلایل این اوضاع آشفته در دانشگاه‌ها این است که شورای انقلاب هیچ‌گونه قانون و ضابطه‌ای پس از انقلاب برای اداره دانشگاه‌ها و شوراهای آن و حدود اختیاراتشان تعیین و تصویب نکرد. دانشگاه‌ها نه می‌توانستند با قوانین قبلی کار کنند و نه قانون جدیدی در دست داشتند بدین سان دانشگاه‌ها را در خلأ رها کردند، سرپرستان دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها فقط با روش ریش سفیدی به مدیریت پرداختند با آنکه دانشگاه تهران در اوایل تابستان ۱۳۵۸ لایحه پیشنهادی استقلال دانشگاه‌ها را پس از چند ماه تهیه و به دولت داد هنوز از تصویب و ابلاغ چنین لایحه‌ای خبری نیست.

۳. از بین بردن حاکمیت سیاسی گروه‌ها و جمع کردن دفاتر آنان که درحقیقت ستاد عملیاتی سازمان‌ها و احزابی است که اینان به آنها وابسته‌اند تصمیم به حقی است، زیرا با ادامه این وضع دانشگاه‌ها دانشگاه نخواهد شد، ولی ما معتقدیم که این تصمیم بسیار بی‌موقع و بی‌مطالعه و بدون مشورت با سرپرستان دانشگاه‌ها اتخاذ شد و منجر به آن چیزی شد که شرحش گذشت.

به عبارت دیگر در این حادثه خون‌بار بهانه را شورای انقلاب با تصمیم بی‌موقع خود به دست این گروه‌های سیاسی داد، ولی تصمیم استفاده از این بهانه کلاً به گردن این گروه‌هاست که مترصدند تا از کوچک‌ترین فرصت علیه انقلاب استفاده کرده و در روز روشن و نیز در دل شب تاریک، حرمت معبد مقدس علم را با رنگبار گلوله‌های خود زیر پا بگذارند. چهار سازمان پیش‌گام، پیکار، مبارز و راه کارگر اگر دلشان برای خلق می‌سوخت و به آنچه می‌گویند معتقد بودند مانند بقیه گروه‌های سیاسی دفاتر خود را به‌موقع تخلیه کرده و تحویل می‌دادند تا قطره‌ای خون از بینی کسی نیاید. به همین دلیل است که مسئولیت این خونریزی‌ها را ما به گردن این چهار گروه می‌دانیم. آن کس که بهانه می‌آفریند مقصر است، ولی آن کس که از بهانه برای مقاصد شیطانی خود سوءاستفاده می‌کند خائن است.

۴. حرف ما خطاب به شورای انقلاب این است که چرا با سرپرستان دانشگاه‌ها که منتخبین خود شما هستند درمورد تصمیماتی که می‌خواهید برای آنان بگیرید مشورت نمی‌کنید تا با این تصمیمات ناگهانی و بی‌موقع از پا درنیایند. تصمیم بجا، ولی بی‌موقع شورای انقلاب، آن هم بدون مشورت با ما، مسائل جدی و جدیدی برای ما به وجود آورد که پس از این حوادث دیگر قادر نیستیم در سنگر مدیریت دانشگاه مبارزه کرده و به انقلاب خدمت کنیم. این بود که ترجیح دادیم استعفا داده و به سنگر دیگری برای مبارزه و خدمت به انقلاب برویم و قضاوت کامل راجع به این مسائل را به عهده امام و امت می‌گذاریم.

کلام آخر ما این است که از نزدیک شاهد و ناظر بودیم که این گروه‌ها و سازمان‌هایی که برای خلق سینه می‌زنند چگونه در ظرف ۲۴ ساعت یک کردستان کوچک در دانشگاه، یعنی بیخ گوش حکومت، زیر پوشش فعالیت‌های دانشجویی به وجود آوردند و همه جنایات خود را به نام شورای انقلاب و رئیس‌جمهور ثبت کردند. به شورای انقلاب و رئیس‌جمهور و مجلس آینده هشدار می‌دهیم که بدانند اینان به همین سادگی حوادث عظیم و گاه جبران‌ناپذیر با تکیه بر اسلحه و به نام خلق و علیه انقلاب می‌آفرینند. به هوش باشید، وگرنه این ماجراجویان و حادثه‌آفرینان، انقلاب را در دست بر باد خواهند داد. ربنا فرغ علینا صبراً و ثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم الکافرین.

مدیریت سابق دانشگاه تهران^{۳۳}

منابع و مأخذ روزشمار ۱۳۵۹/۲/۲۱

۱. روزنامه بامداد، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۱.
۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۱.
۳. روزنامه بامداد، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۱.
۴. همان، ص ۱۲.
۵. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۵۴، ۱۳۵۹/۲/۲۲، بخش عربی رادیو قطر، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۶. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۱.
۷. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۵۴، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۲، لندن- خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۱۱ مه ۱۹۸۰.
۸. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۱.
۹. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۵۴، ۱۳۵۹/۲/۲۲، بخش فارسی رادیو صدای امریکا، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۱۰. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۵۲، ۱۳۵۹/۲/۲۰، ص ۴، بخش فارسی رادیو اسرائیل، ۱۳۵۹/۲/۱۹.
۱۱. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۱۲.
۱۲. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۵۴، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۶، بخش فارسی رادیو بغداد، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۱۳. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۴.
۱۴. همان.
۱۵. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۵۴، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۶، بخش فارسی رادیو بغداد، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۱۶. سند شماره ۴۱۲۴۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از شاجا به وزارت کشور، ۱۳۵۹/۲/۲۲.
۱۷. سند شماره ۵۷۵۰۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نویی‌ای اطلاعاتی معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا (مدیریت اطلاعات)، شماره ۳۰، از ۱۳۵۹/۲/۲۱ تا ۱۳۵۹/۲/۲۲.
۱۸. سند شماره ۴۱۲۵۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: سماجا۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۲/۲۲.
۱۹. سند شماره ۴۱۲۴۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از زاجا (رکن ۳ - مرکز فرماندهی) به دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۵۹/۲/۲۲.
۲۰. سند شماره ۴۱۲۷۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام از سماجا۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۲/۲۳.
۲۱. سند شماره ۴۱۲۴۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از زاجا (رکن ۳ - مرکز فرماندهی) به دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۵۹/۲/۲۲.
۲۲. سند شماره ۵۷۵۰۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: گزارش نویی‌ای اطلاعاتی معاونت عملیات و اطلاعات
۲۳. سند شماره ۴۱۲۳۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: سماجا۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۲/۲۲.
۲۴. سند شماره ۲۸۳۴۵۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سرهنگ ستاد اخیانی به زاجا (رکن ۳ - عملیات)، ۱۳۵۹/۲/۲۰.
۲۵. سند شماره ۴۱۲۲۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام از سماجا۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا (معاونت عملیات و اطلاعات)، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۲۶. سند شماره ۴۱۲۲۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۱.
۲۷. سند شماره ۵۷۵۰۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۲.
۲۸. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۱.
۲۹. سند شماره ۴۱۲۱۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام از سماجا۳ (مرکز فرماندهی) به سپاه پاسداران، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۳۰. سند شماره ۴۱۲۲۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بیجار به عملیات تهران، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۳۱. سند شماره ۴۱۲۲۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام از سپاه (مرکز فرماندهی) به سماجا۳ (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۳۲. سند شماره ۴۱۲۲۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام از سپاه (مرکز فرماندهی) به سماجا۳ (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۳۳. سند شماره ۴۱۲۰۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام از سماجا۳ به نهاج، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۳۴. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۱.
۳۵. همان.
۳۶. همان، ص ۱۲.
۳۷. سند شماره ۵۷۵۰۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۱.
۳۸. سند شماره ۵۷۵۰۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۱.
۳۹. سند شماره ۴۱۲۱۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام از مسئول پاسداران مستقر در بانه به مرکز فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۴۰. سند شماره ۴۱۲۱۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از عملیات ارومیه به عملیات تهران، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۴۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۴.
۴۲. سند شماره ۴۲۱۶۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ:

۵۶. سند شماره ۴۲۴۲۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام از استانداری کرمان به وزارت کشور، ۱۳۵۹/۲/۲۲.
۵۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۲.
۵۸. روزنامه نامه مردم، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۶.
۵۹. حزب کارگران سوسیالیست، هفته‌نامه کارگر، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۳.
۶۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۷.
۶۱. روزنامه نامه مردم، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۸.
۶۲. روزنامه نامه مردم، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۸.
۶۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۴.
۶۴. همان.
۶۵. همان.
۶۶. همان.
۶۷. همان.
۶۸. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۲.
۶۹. روزنامه نامه مردم، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۱.
۷۰. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۱.
۷۱. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۶۸، ۱۳۵۹/۳/۴، ص ۱۴، بخش فارسی رادیو لندن.
۷۲. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۱۱.
۷۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۷.
- از ژاجا (رکن ۳ - عملیات) به دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۵۹/۲/۲۰.
۴۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۴؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۱۲.
۴۶. سند شماره ۰۴۱۲۲۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از کتاب به عملیات تهران، ۱۳۵۹/۲/۲۱.
۴۷. سند شماره ۴۱۲۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام از ژاجا (رکن ۳ - دایره عملیات) به دفتر ریاست جمهوری، ۱۳۵۹/۲/۲۴.
۴۸. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۱۲.
۴۹. سند شماره ۰۵۷۵۰۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین، ص ۲.
۵۰. جبهه ملی ایران، نشریه پیام جبهه ملی، شماره ۱۴، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۱.
۵۱. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۱، ص ۱۱.
۵۲. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۲، ص ۲.
۵۳. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره)، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی^(ره))، جلد ۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم ۱۳۸۹، ص ۲۸۴.
۵۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۳، ص ۴.
۵۵. سند شماره ۰۴۱۲۳۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تلفن‌گرام از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۲/۲۲.